



گسترش بسیج جنگی رژیم و ضرورت مقابله با آن

رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی برای مقابله با بحران روبه تزايد حاکم بر جامعه که زمینه های رشد و تهييج مبارزات توده ای را در خود می پروراند، بر اقدامات جدیدی برای گرم نگه داشتن آتش تشور جنگ ارتجاعی ایران و عراق دست یازیده است تا به بهانه جنگ، فشار و سرکوب هرچه بیشتری را بر توده های مردم اعمال کند. شهرها و روستاها، کارخانه ها و کارگاهها، مدارس، دانشگاهها و ادارات همه و همه عرصه تاخت و تاز مزدوران رژیم برای اعزام اجباری کارگران، دهقانان، دانش آموزان و دانشجویان، معلمان و کارمندان به جبهه ها گشته اند و همه روزه تبلیغات عوام فریبانه مربوط به اعزام اجباری جوانان و مردم زحمتکش به جبهه ها

در صفحه ۲

زنده باد همبستگی بین المللی کارگران سراسر جهان !



در صفحه ۳

اطلاعیه سازمان چریکهای فدائی خلق ایران بنسبت فرارسیدن اول عاده

کومه له بوندیست در ورطه اکنومیسیم

مواقع ایدئولوژیک - سیاسی تحتلانی این جریان را بطور همه جاسته ای به بند کشیدیم. کومه له سیر در پانجه اشتادات اصولی مارکسیستی بر مواضع طبقاتی خود که به اندیشه های سوز و آ - رزمینی سهند تیرا لوده گشته بود، بخصوص در روند عملی دوا له و شبهه اش تا سیونالیسم - شک نظراته خرده بورژوازی دهقانی خود را هرچه بیشتر عیان ساخت.

در صفحه ۴

دوا له و نیم پیش فکاسکه کومه له و سهند با نئی مرور بهات و بیش شرطهای بدیهی برای تشکیل حزب کمونیست، خود را "حزب کمونیست ایران" خواندند، ما

نگاهی به مبارزات یکساله توده ای در کردستان (۶۵ - ۶۴)

در صفحه ۵

در صفحات دیگر:



● اخبار جنبش توده ای

در صفحه ۱۸

● شعری یه کی ثیار

در صفحه ۱۷

● اول ماه مه جلوه زنده ای از

تاریخ مبارزات کارگران

در صفحه ۸

● قیام تبریز و دستاوردهای آن

در صفحه ۹

ایوزیسیون ضد انقلاب

و

مماشات حزب دمکرات

تحت عنوان "سوق مالی بر از فعالیت و بارود"، اشتادات دیگر گری نکات کلی در مورد مسائل حسن و سامطلاح "عوانع و دشواریها"ی که حسن خلق کرد سال گذشته سالان روزی بوده است می بردارد و

در صفحه ۶

حزب دمکرات انتشار بکند و - دوا له و سهند شماره شماره "کوردستان"، ۳۰ ارگان گستره مرکزی خود، طوطی دیگری از اداه ساتهای سوز و آ - رزمینی به پیش خود را آشکار ساخت. اس شماره "کوردستان" حزب دمکرات طی مقاله ای

خاطره قاضی محمد و یارانش را گرامی داریم

در صفحه ۷

هه موو میلله نیک مافی دیاری کردنی چاره نویسی خوی هه به

گسترش سیج جنگی رژیم و ضرورت مقابله با آن

جنگ ارتجاعی ایران و عراق باوق و کرنا در بلندگوهای تبلیغاتی رژیم دمیده میشود.

در ادامه سیاست سیج جنگی رژیم در سراسر ایران، خلق مبارز کردنبر به بهانه جنگ تحت شدیدترین فشارها و سرکوب قرار گرفته است. به خصوص رژیم پس از شکست در عملیات موسوم به والفجر و عقب نشینی از جبهه جدیدی که در کردستان عراق گشود بود، بر سیاست تسلیم و سر باز گیری جاری و تائین هزینه های جنگی خود از دسترنج زحمتکشان در کردستان شدت بخشیده است. رژیم جمهوری اسلامی تحت لوای سیج جنگی در واقع در تلاش میباشد آن اهداف ارتجاعی است که همواره بدلیل مقابله انقلابی خلق زحمتکش کرد، قادر به اجرای کامل آن نموده. مدور اطلاعیه ها و فرامین جنگی در شهرها و روستاها برای جلب منمو لسن و تشکیل ستادها، سمینارها و کمیته های ویژه برای ساجراد در آوردن اهداف ارتجاعی رژیم از جمله ابرین اقداماتند. زاندارمری کردستان طوسی اطلاعیه ای از کلبه منمو لسن متولد ۱۳۳۸ تا ۱۳۴۶ خواست که خود را به مراکز نظامی رژیم معرفی نمایند. با یگا های مستقر در روستا های مناطق مختلف نیز ساجراد اطلاعیه های مناسبی از جوانان خوانده اند که خود را به یگا های مربوط معرفی نمایند. در همین رابطه فرماندهان مزدور رژیم در آذربایجان غربی و کردستان با تشکیل سمیناری مشترک بنام سمینار "لسک با امام" در ارومیه، به کلبه با یگا های آذربایجان غربی و کردستان آماده باش کامل داده اند تا فتوای امام جنابکارشان مبنی بر تشدید و گسترش سیج جنگی رژیم را با اجرا در آورند. در شهر سنندج نیز برای سیج اجباری کارگران، دانش آموزان و معلمان منطقه ستادهای ویژه ای بنام " ستادهای نرسینی " تشکیل شده است. همچنین مردوران در شهر سنندج و روستا های اطراف آن با اتحاد و گسترش با یگا ها و فرقه های نظامی کوشیده اند تا نفس اعمال کنترل هر چه بیشتر بر این شهر و روستا های اطراف آن، سیج جنگی خود را گسترش دهد. بر همین اساس خانه کردی، تعلیم

ساز، کنترل جاده ها و معابر و محاصره روستا ها به منظور دستگیری جوانان برای تسلیم اجباری یا اعزام آنها به جبهه های جنگ ارتجاعی بیش از هر زمان دیگری توسط مردوران با اجرا در می آید. سرپرندگان رژیم جهت اعمال سیاستهای ارتجاعی حاکمیت به تحمیل و فریب نیز متوسل شده اند، بطور مثال در منطقه سردشت سرکوبگران برای فریب توده ها اعلام کرده اند که سربازان در مناطق خود سربازی خواهند کرد و یا در شهر سقسر عنوان "سرباز معلم" را ابداع کرده اند.

رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی برای مقابله با بحران اقتصادی روز افزونی که دامنگیرش بوده است و بدلیل کاهش بنای نفت، کسری بودجه سال ۶۵ و هزینه های سرسام آور جنگ شدت نیز یافته است، و سرشکن ساختن بحران سر دوشن کارگران و زحمتکشان، به غارت و حیا ول هر چه بیشتر از دسترنج آنها پرداخته است. رژیم تحت لوای کمک به جبهه های جنگ به اخاذی آشکار از توده های مردم روی آورده است. سرپرندگان رژیم در منطقه سردشت با تشکیل کمیته ای بنام "کمیته مرکزی" ضمن دامن زدن به تبلیغات جنگی حکومت، مردم را برای تائین هزینه های جنگی زیر فشار گذاشته اند. در شهرهای میاباد و سنندج اتحادیه نا نوایان و سایر اصناف این دو شهر بزور سرنیزه و اداریه پرداخت هزینه های جنگی شده اند. در مناطقی که فیض اله بیگی و اقشار، مزدوران با دستگیری و زندان، تعدادی از اهالی، قریب به یک میلیون تومان از زحمتکشان این مناطق اخاذی کرده اند.

اما متأسفانه، در برابر تعرض سازمان یافته وسیع و گسترده رژیم، حرکات اعتراضی زحمتکشان کردستان همچنان خلعت خود بخودی ویراکنده بودن خود را حفظ کرده است. فرار سربازان از جبهه های جنگ، پادگانها و یگا ها، مقابله مردم با مزدوران هنگام دستگیری نرسیندانشان، تظاهرات توده ها علیه جنگ ارتجاعی ایران و عراق و رژیم جمهوری اسلامی، خروج دسته جمعی جوانان از روستا های خود به منظور عقیم گذاشتن سیاست سرباز گیری اجباری و حمایت اهالی سایر مناطق از آنها و پیوستن سربازان فراری به پیشمرگان خلق کرد، همه و همه بطور ویراکننده اینجا و آنجا جریان دارد.

قانونمندی مبارزه طبقاتی حکم

میکند که در برابر سازمان و تشکیلات ارتجاعی سرما به داران باید توده های کارگر و زحمتکش نیز به سلاح اتحاد و تشکیلات مجهز شوند. باید در برابر تعرض سازمان یافته رژیم به دستاوردهای ارزشمند مبارزات هفت ساله زحمتکشان خلق کرد، کارگران و زحمتکشان کردستان نیز در ارگانهای انقلابی توده ای متحد و متشکل شوند و با مبارزه ای یکپارچه و متحد رژیم را از پیبرد سیاستهای ارتجاعی خود به عقب بکشانند.

نیروهای آگاه و پیشرو و بخصوص هواداران سازمان باید در جهت ایجاد تشکیلات توده ای با هدف مبارزه علیه رژیم جمهوری اسلامی و سیاستهای ارتجاعی آن فعالیت خود را متمرکز سازند و تبلیغات همه جانبه ای را علیه جنگ ارتجاعی ایران و عراق دامن بزنند. باید با افشای سیاستهای ارتجاعی رژیم و با تاکید بر ضرورت تداوم مبارزه، توده ها را حول شعارهای ضد جنگ و ضد رژیم بسیج نمایند و با سازمان دادن حرکات اعتراضی و تظاهرات توده های مزدوران رژیم را از اجرای سیاست سیج جنگی شان باز دارند. خلق مبارز کرد، باید با استفاده از تجارب پر بار چندین ساله خود، حتم و انزجارش را از رژیم جمهوری اسلامی بوسیله تظاهرات اعتراضی و عدم تمکین به سیاستهای ارتجاعی و ضد مردمی آن به نمایش بگذارد.

اول ماه مه جلوه زنده ای . . .

را بطرف سخت ترین مبارزات و همچنین پیروزی نهایی سوق میدهد.

(۱) ماه آوریل سال ۱۸۹۳ در بلژیک برای اولین بار در تاریخ جنبش کارگری بین المللی اعتصاب سیاسی سراسری با خواست حق انتخابات عمومی بوقوع پیوست که در آن ۲۵۰۰۰۰ کارگر شرکت کردند. این اعتصاب به تنبیر و توسعه اساسی قانون انتخابات بلژیک انجامید.

(۲) بخاطر اعتصابات و تظاهرات کارگران اتریش با خواست حق انتخابات عمومی دولت اتریش مجبور به عقب نشینی شد.

این مقاله تخلص مقاله "اول ماه مه" روزا لوزکزامبورگ، از رهبران جنبش کارگری آلمان است.



اطلاعیه سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

بمناسبت فرارسیدن اول ماه مه

زنده باد همبستگی بین المللی کارگران سراسر جهان

روز اول ماه مه، روز جهانی کارگر فراموشد، روزی که طبقه کارگر زیر پرچم طبقاتی یگانه ای که آرمان رهاشی پرولتاریا و تمامی بشریت است، اتحاد رزمند و بولادیس خود را در مبارزه با نظام سرمایه داری اعلام میکند. این روز، روز تحلی وحدت اراده، تزلزل ناپذیر پرولتاریا و نمایش قدرت فزاینده او در مقابل اردوی سرمایه میباشد. در این روز، پرولتاریای سراسر جهان با تعطیل کارخانه ها و برگزاری جشن و راهپیمایی و تظاهرات همبستگی طبقاتی خود را نمایش میگذارد.

اگر هکند سال پیش در چنین روزی، کارگران شیکاگو با خواست ۸ ساعت کار در روز دست به تظاهرات زدند، اما اکنون که یک قرن از آن ایام گذشته است نه تنها این خواست طی سالیانی که از آن ایام گذشته است، به یکی از حقوق برسمیت شناخته شده کارگران درآمده است بلکه پرولتاریا در بسیاری از کشورهای پیرویی عظیمی ناظر شده و به دستاوردهای بزرگی دست یافته است که از جمله آن سرگونی نظام ارتجاعی سرمایه داری و استقرار سوبالیم در پاره ای از کشورهاست، اما در ایران جایی که ارتجاعی ترین و سفاکترین دیکتاتورهای تاریخ بر آن حاکم است، نه تنها بسیاری از حقوق برسمیت شناخته شده پرولتاریا جهانی رعایت نمیشود بلکه و حشانه ترین نوع استثمار و سوزی حقوقی مطلق کارگران حاکم است. حتی بسیاری از دستاوردهای را که طبقه کارگران طی نیم سده پس از آن بدست آورده بود، تحت وحشیانه ترین سرکوبها، باریک گرفته شده و هم اکنون کارگران تحت شدیدترین فشارها و تنبیهات قرار دارند.

امسال در شرایطی روز اول ماه مه فرامیرسد که طبقه کارگران ایران در وضعیت وخاست باری بسر میبرد. نشانه بی وقفه بحران اقتصادی و افزایش سرمایه آور تورم، دستبرد واقعی کارگران را بشدت کاهش داده است و در عین حال موج اغراضی دست جمعی و بیگاری گسترده و دم افزون، بخش دیگری از کارگران را از همان حداقل دستمزد ناچیز محروم ساخته است.

هنگام اجتماعی و معاشی آن و شادام ۵ ساله این جنگ، بر شدت فشارهای اقتصادی و فقر و فلاکت عمومی بشدت افزوده و دستورح ناچیز کارگران را می بیند.

اختصاص بیش از نیمی از بودجه که عمدتا از درآمدهای نفتی تامین میشود، به هزینه های جنگ، ورشکستگی مالی رژیم و کمبود ارز، تعطیل بسیاری از کارخانجات را بدنبال داشته و دست و پا کارگران به بیرون از کارخانه ها پرتاب میشوند و به خیل عظیم سیکاران می پیوندند.

وجود بیگاری گسترده در سطح جامعه، برای سرمایه داران بهترین فرصت را بدید آورده تا با خرید ارزان نیروی کار به تشدید استثمار کارگران سادرت و ورزند و هرگونه اعتراضی را بشیر با اخراج پاسخ گویند.

رژیم سنی کرده است تا با ایجاد جو رعب و هراس و تهدید به اخراج کارگران را به تنگین در برابر وضعیت موجود وادارد. اگر رژیم ناگهون با سیاستهای ارتجاعی خود و بویژه تدارک جنگ ارتجاعی، با کسر بودجه هنگفتی مواجه بود و تمام باربحران اقتصادی و هزینه های جنگ را بر دوش کارگران می افکند، اکنون با کاهش چند برابر قیمت نفت و محدودیت صادرات نفتی، چشم انداز انواع فلاکت بار کنونی سوانت و حیم تر و استوارتر است. همه شواهد بیانگر این واقعیت است که هر روز وضعیت طبقه کارگر و خیم تر شده، برداشته اغراض و بیگاری افزوده گردیده و نیازم به سطح معیشت کارگران شدت افزونتری خواهد یافت و طبقه کارگر ایران را سوزی شاهی جدی سوق خواهد داد.

هر روز که میگذرد این واقعیت برای کارگران بیشتر آشکار میگردد که تا این رژیم یا هر رژیم سرمایه داری قدرت حاکمه را در دست دارد، هیچ تنفیر محسوسی در زندگی کارگران بدید نخواهد آمد.

شهابک راه برای پایان بخشیدن به فقر و فلاکت جنگ و سرکوب و اغراض و بیگاری و خلاصه تمامی معاشی اجتماعی که این رژیم بهار آورده است وجود دارد و آن سرگونی رژیم جمهوری اسلامی و برقراری یک رژیم حقیقتا دمکراتیک و انقلابی است. طبقه کارگر ایران که اساسا برای رهائی از یوغ سرمایه و استقرار سوبالیم مبارزه میکند، در این مرحله از انقلاب و طبقه رهبری انقلاب پیرو رزمند دمکراتیک را بر خیزد، دارد و تنها نیروی است که قادر است دیگر اقشار و طبقات خلق را از وضعیت فلاکت بار کنونی نجات بخشد. پرولتاریای ایران همچون دیگر هم رنجبران خود در سراسر جهان با آگاهی به نقش دورانش از خود و ماکت تحارب پرولتاریای پیرو رزمند کشورهای سوبالیستی میتواند و باید رسالت تاریخی خود را به انجام رساند.

در سالگرد اول ماه مه طبقه کارگر ایران ضمن ابرار همبستگی با کارگران سراسر جهان، با به تعطیل گذاشتن کارخانه ها و تحریم برنامه ها و مراسم ایمنی رژیم، روز اول ماه مه را به روز اعتراضی طبقه جنگ ارتجاعی تبدیل خواهد کرد.

زنده باد همبستگی بین المللی کارگران
رنگون باد رژیم جمهوری اسلامی
برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق
رزمند سوبالیم
سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

کومه له بوندیست در ورطه اگونومیسیم

افشاده که :

"کارگری شدن حزب کمونیست، تماماً بهایی واسته است که حزب کمونیست ناچه حد کارگری عمل کند، ناچه خصوصیاتی به خود بگیرد که آنرا عملاً برای کارگران به یک ابزار مبارزه، به یک طرف متشکل شدن تبدیل سازد." (همانجا ص ۱۵)

"کارگری شدن حزب کمونیست" !

اگونومیسیم آشکارتر از این نمیتوانست عیان شود. اراده گرایی، اگونومیستهای ما را وامیدارد که : اول، یک سازمان دهقانی منطقه ای با کمک محفلی از روشنفکران دست در دست هم و با اشکاء به دهقانان کردستان، تشکلی را ایجاد کنند و آن را حزب کمونیست بخوانند، دوم، این "حزب" باید بگوید تا "کارگری شود" چرا که این "حزب" فاقد کمترین ارتباط با طبقه کارگراست و هیچگونه نفوذ و اعتباری در بین طبقه ندارد. ما شمع کارگری شدن این "حزب" هم گرایشها و تلقیاتی میباید که معنی روشنتر آن بهایی عبارت است :

"ترتیبی آید و حوزه های سازماندهی منظم، اصول صحیح عضوگیری، حاکمیتی و کنترل، مدرسه حزبی و کار روتین حزبی را برپا آورد و رفت

بظور خلاصه بنظر میرسد که تشکیلات در نیمه راه یک گسست جدی عملی از روشهای غیر - کمونیستی، به دستاوردهای موجود خویش راضی میشود و حفظ و گسترش این دستاوردها عملی رانه در تداوم کاربرد همان نقد اولیه، بلکه صرفاً در تکمیل و رفع عیب آنچه که فی الحال بدست آمده است، جستجو میکند." (همانجا، ص ۸ - تاکیدها از ماست)

* "گرایشها و تلقیاتی" آنچنان عمیقی که حتی از ادامه مقاله "سک کار کمونیستی یک جمیع بندی مجدد" در تریه "کمونیست" جلوگیری بعمل آورده و در شماره بعدی این تریه در شمارش با مقاد این مقاله، نوشته ای را تحت عنوان : "گسترش کموسیم در کردستان یک واقعیت غیر قابل انکار است" علم میکنند.

روش معمولیات کسکه های اسد ۶۲ کومه له و حزبش خبر در کلیت، گویای عدم برخورد کومه له با انحرافات اساسی حاکم بر پیشاوست.

کومه له و سید که برای تشکیل حزب طبقه کارگر به تشکیل محفلی عناصر روشنگر و ساعیده بخشی از تولد کنندگان جرد اکتفا کرده اند، ضرورت پیوند سوسیالیم علمی با طبقه کارگر ایران و لزوم سازماندهی جنبش طبقه کارگر و پیوستن استوار با آنها نفی کردند و بر اساس این نظر : "... هر تشکلی که اولاً این اهداف و شیوه ها (کمونیستی) را بشناسد، آن را از آن خود بداند، و به آن متعهد شود، مبارزه خود را بر مبنای آن سازمان دهد و به پیشبرد و تانها از توان کافی واستواری عملی لازم برای ادامه کاری و نشات قدم در این امر برخورداری باشد یک حزب کمونیست است." (سوی سوسیالیم شماره ۱۵، پیوسته تشکیل میدهد و کومه له نیز حزب کمونیست است، خود را "حزب کمونیست ایران" خواندند.

این "حزب کمونیست" حتی ادامه کاری خود را نه در ارتباط تنگاتنگ با طبقه کارگر و نه در پیشانی طبقه اعتقاد آن به "حزب" بلکه در گرو دستبازی به آن تعداد از کادرهایی که باید بشون طرات حزب را تشکیل دهند "آنها هم در "مدنی کوتاه" نامین شده ارزشیایی گردیده، خلاصه آنکه با قلب کردن مفهون واقعی حزب کمونیست سک کار خاص خود را تحت لوای "سک کار کمونیستی"، سرلوحه فعالیتهای حزبشان قرار دادند.

اماد بری نباشد آنها بی که می بایست "خودشان را باور کنند" در دومین سالگرد تاسیس حزب کومه له از "تبدیل این جریان به یک حزب طبقه ای واقعی، به یک حزب متشکل کنند" پیرو روشهای عامر طبقه کارگر و رهبران عملی حش کارگری (کمونیست ۲۲، ص ۱۵ - تاکید ارما) سخن گفتند و ادعاهای دروغین قلبی خود مبنی بر کمونیستی بودن حزبشان را سر ملا ساختند و با ناسف از "گرایشها و تلقیاتی معینی" که طبقه تعمیق بیشتر و پیگیرانه سر درک "آنها از" سک کار کمونیستی" عمل میکنند، یاد کردند.

بالاخره این "رشتگان نجات" بیسی از دو سال که از تشکیل حزب کمونیستشان میکنند مباد کارگری شدن حزبشان هم

در ادامه همان مطلب روشن میشود که : "این محدود نگری مانع دستبازی به آن افق وسیعتری است که نقد سک کار بویولیستی باید در برابر مقررار دهد افقی که شرط لازم بنانیدن یک کمونیسیم عملی، ادامه کار و قدرشمنند در ایران است کمونیسمی که بطور واقعی شکل انقلابی پیشروان و رهبران عملی جنبش کارگری ایران باشد" (همانجا، ص ۸)

می بیند ! این "حزب کمونیست" نه تنها هنوز "یک حزب طبقه ای واقعی" نیست و "به یک ابزار مبارزه، به یک طرف متشکل شدن" برای کارگران تبدیل نشده است بلکه "نقد سک کار بویولیستی" آن نیز نتوانسته مادیت عملی یافته و به آن "افق وسیعتر" یعنی "سک کار کمونیستی" دست یابد.

اطلاعیه مربوط به برگزاری کنگره دوم حزب کومه له نیز حاوی این مسئله است که : "کنگره ... بویزه بر روی ضرورت و اتخاذ و تشبیت آن چنان سنتها و روشهای عملی که حزب کمونیست را به طرف طبیعی اتحاد، شکل و مبارزه رهبران عملی و فعالین جنبش کارگری و کارگران پیرو ایران تبدیل کند، تاکید نمود".

کنگره دوم حزب کومه له نه تنها به انحرافات اساسی و ریشه دار ایدئولوژیک - سیاسی تشکیلاتی این جریان برخورد انتقادی نکرده، بلکه مسائل اساسی را تا حد "سنتها و روشهای عملی" تنسیزل داده است، (هرچند که انتقاد از خود، در قاموس کومه له نمیگنجد) البته در این اطلاعیه به اساسنامه جدیدی که طرح آن باید بر اساس جهت گیریها و مباحث کنگره تهیه شده و در اختیار اعضای حزب قرار بگیرد، اشاره شده است، لیکن تا تا زمانی که برنامه بورژوا - رفرومیستی حزب کومه له الهام بخش مسائل تاکتیکی و تشکیلاتی کومه له باشد نمیتوانست تغییرات پایه ای در جهت از بین بردن امشیا زات بورژوازی که در اساسنامه این جریان رسمیت یافته است، ایجاد نماید.

نگر دقیقتری به کنگره پنجم کومه له نیز ماهیت واقعی این مدعیان دروغین "سک کار کمونیستی" را هرچه بیشتر روشن میکند. این دن کیشونهای "نقد سک کار بویولیستی" آنچنان در ورطه بویولیسم و سوسیالیم دهقانی غشوق شده اند که نه تنها کمترین درکسی از در صفحه ۱۵

نگاهی به مبارزات یکساله توده‌ای در کردستان (۶۵-۶۴)

سیاست به آتش کشیدن، تخلیه و تخریب روستاها، سیاست تسلیم اجباری، سیاست ایجاد شوراها، اسلامی، تلاش نمودن سهم خود صفوف مبارزه کارگران و رزمندگان کردستان را در راستای هدایت و هدایت آن بسوی پیروزی تقویت نموده و با تسلیم آن در سطح جنبش انقلابی سراسر ایران و جهان، در معرفی و شناساندن اهداف جنبش انقلابی خلق کرد بکوشد.

اینک نیز با جمع بندی اجمالی مبارزات توده‌های زحمتکش کردستان در یکسال گذشته تلاش میشود تصویر عمومی وضعیت مبارزاتی خلق کرد طی سال ۶۴ در سطح جنبش منعکس گردد. بدیهی است به دلیل شرایط مشخص مبارزاتی و مهمترین از همه پراکندگی حرکات اعتراضی کلیه اخبار مربوط به حرکات توده‌ها در سطح جنبش انعکاس نیافته است. لذا این جمع بندی فقط بیانگر وضعیت عمومی مبارزات کارگران و زحمتکش کردستان در یکسال گذشته است و انعکاس صد درصد حرکات اعتراضی انجام شده نمی باشد.

در سال قبل، اعتراضات توده‌ای علیه عملکردها و روشهای سرکوبگرانه رژیم حول محورهای مشخص شکل گرفت. اجرای سیاست سرکوب (که شامل مجموعه اقدامات ایدئولوژیک مزدوران رژیم برای درهم شکستن مقاومت انقلابی توده‌ها، از قبیل ضرب و شتم، زندان و شکنجه، به آتش کشیدن خانه‌ها، کوچ اجباری، تخلیه و تخریب روستاها، بیگاری و اخاذی مالی میباشد) سیاست سربازگیری اجباری از فرزندان خلق کرد، سیاست تسلیم اجباری اهالی روستاها بیشترین اعتراضات دستجمعی را برانگیخت.

همچنین برخی دیگر از اعتراضات علیه جنگ ارتجاعی ایران و عراق و ابراز تنفر نسبت به سیاستهای رژیم در این زمینه شکل گرفت.

جدولی که در زیر ملاحظه میگردد، براساس تعداد حرکات اعتراضی انجام شده تنظیم شده است.

از ۱۸۶ مورد مجموع حرکات اعتراضی در سال ۶۴ مقابله با سیاست سرکوب در درجه اول قرار داشته و ۷۸ مورد یعنی ۴۱/۹۲ درصد از مجموع حرکات اعتراضی بدان اختصاص داشته است. بهمین ترتیب در جدول مربوطه ۴۸ مورد اعتراض علیه تسلیم اجباری، یعنی ۲۵/۸۰ درصد، ۳۴ مورد اعتراض علیه سربازگیری اجباری یعنی ۱۸/۲۷ درصد و ۲۵ مورد اعتراض علیه در صفحه ۱۲

است و حیرت جستن توده‌ای میگردد. تاکنون ماطی استراتژیک کردستان مورد تعرض واقع گردیده است و رژیم برای سرکوب توده‌های خلق کرد و فرونشاندن مبارزه مسلحانه جاری، بخش مهمی از نیروی سرکوب و ماشین جنگی اش را در کردستان متمرکز نموده است. ولیکن آنچه برهنگان روش است رژیم جمهوری اسلامی، علیرغم اتخاذ احتیاطات ترسناک و سرکوب در مقابل رادیکال‌ها و رزمندگان و زحمتکش و پایداری پیشروان تهران، طی این مدت نتوانست یک قدرت متمرکز و بی‌امتناساز سیاسی نظامی را در کردستان مسلط نماید.

در سال ۱۳۶۴، رژیم متناصب با شرایط و ظرفیت نظامی خود بیشترین نیروی سرکوب را علیه جنبش انقلابی خلق کرد بسیج کرد. در اوایل سال رژیم طی اخلایهای با شمعین یک ضرب الاجل، مزدوران خود را برای کسب به کردستان فراخواند. سران جنایت پیشه رژیم کردستان را "حاصلترین جبهه استراتژیک کشور" خواندند و در حالیکه زیوانه به قدرت و دست جنبش انقلابی خلق کرد و خنثی سربوهای سرکوبگر خود اعتراف می نمودند، مزدوران و دسته‌های داوطلبان اعزام مجدد به کردستان را تودیه مسلح میکردند. در شهرها، محلات، روستاها و حتی معابر عمومی نقاط کردستان انبوه نیروی سرکوبگر پراکنده بود. مزدوران رژیم برای سرکوب توده‌های خلق کرد و به تمکین و اداشتن آنان، درمناقصه ترین روشها را بکار بستند، اما هر بار در زیر ضربات پیشروان و مبارزات اهالی زحمتکش شهرها و روستاها، با فسخ و زبونی و از دست یابی به مقاصد خود ناکام ماندند.

سازمان ماکه وظیفه خود را شرکت علی در جنبش کلیه طبقاتی تحت تسلیم ایران قرار داده است و همواره به دفاع سرخشان از آرمان و اهداف جنبش انقلابی برخاسته است. سال گذشته فسخ انعکاس اخبار مبارزات توده‌ای و جمع بندی آنها در هر سه ماه، انعکاس بی‌لای عملیات پیشروان خلق کرد، افشای سیاستهای ضد خلقی رژیم در کردستان، از جمله

بحران انقلابی در سالهای اخیر، بر ستر اطلاعات ژرف خود، کلبه‌های کارخانه را در گروگان گرفته است. در ابسی دوره مبارزه طبقات، افشار انقلابی و طغیانهای تحت تسلیم ایران سربازان ستمی را موحه بوده است. سوز و آوری ایران کسبه همواره برای حفظ و تحکیم مناسبات استثمارگرانه و تأمین سلطه امپریالیزم و ارتجاع با متکا ملترین اشکال و شیوه‌ها به سرکوب توده‌ها پرداخته است. در محله نمود طبقاتی ضربات سرکوبی متعمد گشته است.

کارگران، دهقانان و کلیه طبقاتی تحت تسلیم ایران علیرغم است و خیزهای که در مبارزات آنان حاصل گشته است، همچنان مطلق بر قاعده عمومی مبارزه طبقاتی در این مرحله از انقلاب، سلطه امپریالیزم و مناسبات استبداد سرمایه داری را آماج شمشیر خود قرار داده اند و برای کسب قدرت سیاسی، تأمین حاکمیت توده‌ای و تحقق رهائی ملی، به کار خود را ادامه میبخشند.

جنبش انقلابی خلق کرد که بر ستر انقلابی جامعه بعد از قیام بهمن اوج نوبتی یافت، و تحت تاثیر جنبش ضد امپریالیزم و دمکراتیک خلقهای ایران شکوفان گشت، بعد از هفت سال تداوم مبارزه مسلحانه، منظور سرانداختن ستم مفاع (طبقاتی - ملی) از جا بگاه و بزه‌ای در جنبش ضد امپریالیزمی دمکراتیک خلقهای ایران برخوردار گشته است و در مقام بین المللی نیز جنبش خلق کرد هم به لحاظ پایداری در پیشبرد جنگ انقلابی و هم به لحاظ ایستاد توده‌ای و نقش بالفعل کارگران و زحمتکشان در آن، در رده یکی از انقلابی ترین ویر - حنه ترین جنبشهای توده‌ای جهان قرار گرفته است.

رژیم جمهوری اسلامی که از بدو به قدرت رسیدن مداوم حش انقلابی خلق کرد را مورد یورش قرار داده است، پس از ۳۰ مرداد ۶۵ با روکش مونت یکسوره از انقلاب انقلابی در سراسر ایران و سرکوب سازمان یافته انقلاب، شعرات خود را به کردستان نداشت بخشد. طی بین از چهار سال که از این نقطه عطف در سیر

اپوزیسیون ضد انقلاب

مماشات حزب دمکرات

همین برای ارسان برداشتن این "موانع" و "دشواریه" چاره اندیشی میکند. در همین رابطه، احکامات درگیریهای شان خود (حزب دمکرات) و کومهله حق شان مآورد، آنگاه به احضار آنان مباد میکند و آنان میگردد، که گوش ایستاده این مسئله اراحت جدایی سرخوردار سوده و منتزعه می درنماید. حقیقت انقلابی خلق کردستان است، از این رو، سی آنکه به این مهم میباید بکلی از منتهی شری "موانع" و دشواریه "ی موجود بر سر راه حقیقت انقلابی خلق کرد، که در تمام طول سال گذشته بهانه اهری سازدارنده در مسیر رشد و تکامل هر چه سترگوارزات رهنمکان خلق کرد عملکرد داشته است، سپردارزد، و با آنکه مآخذ حاشیه دادن به این درگیریهای حوس و رسا ساز، به ریشه های غلغلان شده و موانع سیاسی در مشغول راجی برای انعام حک خود سا کومهله و بدترین آتش سوزی نشد و شرط، رصده مذاکره برای حل سیاسی اختلافات سیاسی را فراهم کند، بها و بهای به "تولید گریه و مآخرا حوشهای... رهبری مشکوک حزب کمونس کومهله" اشاره میکند و سی، از احکامات "کردستان" ارگان کمیته مرکزی حزب دمکرات، مآخودش هم مادی است، عامدا از خاکگاه و تانکر سانشای حزب دمکرات در این درگیریها که میباید عامل اصلی تداوم آن شش داشته است، ناشه حالی میکند.

"کردستان" مدو دارد، هر چه که شش حزب دمکرات را در این درگیریها و تداوم آن مآخو مآخمی که بنت آن دارد، مکتوب میگردد، اما سا جار به ادعای این واقعیت است که جسی درگیریهای به حقیقت انقلابی خلق کرد لطمه وارد کرده است، و اگر چه ششاه فاسی رفته و گناه آن را سحرآمیز کردن کومهله مینماید، اما از روی اخبار به احتیاط جسی اعتراض میکند :

"پولیتونی ها ... ما ناشه حالی کردن از بدترین ملحق به ابدار و تشدید آتش جنگ داخلی، بحیثیت توجیهی از سروری پشمرگ را خود بشمول دانسته" و بسا ... ده ها کادرسای و نظامی حزب ما در راه آرمان خلق خود جان باختند و در

حکومت مردموران جمهوری اسلامی، در درگیری با مآخرا حویان پولیتونی ... سید شد، (نقل قول مآخمه جیاز کردستان شماره ۱۱۲، ساکنه از مآست) همس حملات کونه از زبان "کردستان" حزب دمکرات، به سائر آن حقیقت تلخی است که جنش انقلابی خلق کرد با آن مآخه است و هر گونه ظفره روی حزب دمکرات را از طوح غلغل درگیریها و با سخوشی به چگونگی دستیابی به راه حل اصولی برای پایان آن، سلا شرمسازد، و در عین حال اسناد بر خورده های غیر مسئولانه او را در قبال مآخه جسی خلق کرد آشکار تر می نماید.

در اینجا حزب دمکرات کردستان، گذشته از آنکه کومهله و پشمرگه های این سازمان را در ردت جمهوری اسلامی و با اذعان قرار داده است، سائر سیاست معمول و همیشگی اش که در سیاست و سر خورد ... های سیاسی همواره تمام خلق کرد تحت میکند، تصمیمات و نظرات خود را، تصمیمات و نظرات خلق کرد مینماید. پیروزی خود را، پیروزی خلق کرد جلوه میدهد، اینجا نیز، در ادامه همان شوه و مطابق نظام فکری ویژه خود، سا زیرکی خاصی سنی کرده است تا "آرمان" رهبری حزب را بجای "آرمان خلق" جایزد و "درگیری با مآخرا حویان" را و همچنین ادامه آنرا که خواست رهبری حزب دمکرات است، همان "آرمان خلق" قلمداد نماید.

کبیت که تداوم این ادعای حزب دمکرات از اساس بوج و بی پایه است؟ زحمتکنان خلق کرد بر اساس کدام مآخه وجه اخذانی می بایستی در مقابل هم قرار بگیرند و "آرمان" شان، درگیریهای درونی حش خلقی، شد و تداوم آن باشد؟ خود حزب دمکرات به تازگی هر کسی به بی پایه بودن این ادعاها و افداست وجوب میداند که به تئیه های خلق کرد با ادامه این درگیریها هیچگونه موافقتی ندارد، بلکه سبازی از افتاء که حشی در میان آنها تنو کمیته مرکزی هم دیده میشود، "گادرها" و پشمرگان حزب سر سا آن مخالفند وجه سا در اعتراض به همی سیاست، از ادامه فعالیت با حزب دمکرات سراز رده، کماره گیری نموده و

یا آنکه به فعالیت کشده شده اند، حزب دمکرات سان کبکی که سرخوردار در سرف سرورده است، وحاشی را سنی شد، خیال میکند که سناات زیبا سار سانشای او سیر از اسطر بستان مآده و کی متوجه آن نمیشود، حزب دمکرات غافل است که سیر زمان اسکوه عوام فریبیها سیر رسیده است و ممکن نیست سوان سبرای همنه جنمهای خود را عامدا سبر روی واقعیت است!

اما قطع نظر از اینکه "کردستان" از چه شیوه های دربار گیری الفضاظ و کلمات برای تحریف آشکار آرمان خلق کرد و خواسته های انقلابی آنان استفاده نموده است، ناچار به ذکر این مسئله تاضفار است که سال گذشته انشوری "خشث نابل توجیهی از سروری پشمرگه" به جای آتش صرف مآخره بارزیم جمهوری اسلام کردد، بجای آنکه در راه تحقق اهداف انقلابی و دمکراتیک خلق کرد قرار گیرد، عملا به تئیه سانس وظیفه انقلابی جامعه عمل سپورنده است، بلکه با رو در روشی سانشد دیگری از سروری پشمرگه، جسی انقلابی خلق کرد را تصف سوده، و د عوفی به رژیم سدرمدی جمهوری اسلامی در سرکوب توده ها و اعمال سیاستهای رنجا عی به اش مغان داده است، از نظر حزب دمکرات، سبارطیسی است که چنین فاکتور مهمی بعنوان "مآخه" و یا "دشواری" سررراء جشث انقلابی خلق کرد، هنگامی که این "دشواریه" را در سال گذشته مرور میکند، بحساب نیاید، آنرا به فراموشی سپارد، از کنار آن بی سرودا بگذرد و یا آنکه آنرا ناچیز بشمار آورد.

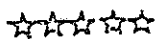
در ادامه مقاله مذکور، تشریه "کردستان" حزب دمکرات که قرار است طی آن، هم به پرو سیکاله جنش انقلابی خلق کرد سرخورد کند و هم وظایف سال آمده خود را در قبال آن ترسیم نماید، جسی میخوانیم :

"از آنجائیکه راهمان برحق است و سیاست حزب ما سیاست درستی است ... هیچ نیروی قادر نخواهد بود ما را شکست دهد، و سراجام دشمن راه را ندازه نیرومند هم کدباند برانو در خواهم آورد". چنین است تئیهات و خیالهای خوش حزب دمکرات در مورد خودی، و توهماتی که تلات دارد در حول و حوش خود بپراکند. هم سیاست حزب دمکرات "سیاست درستی" است که قادر است "دشمن" را "بزانو" در آورد، و هم آنکه

خاطره قاضی محمد و یارانش را گرامی داریم

خود قرارداد. جمهوری دمکراتیک کردستان بدلیل عدم تسلیم سازماندهی توده ها نتوانست یورش وحشیانه ارتش فدخلقی شاه را درهم شکند و دچار شکست شد. قاضی محمد و چندتن از یاران نزدیکش هیچ راهی جز ماندن در میان توده ها و ایستادگی و مقاومت در برابر سر مزدوران رژیم برای خود متصور نبودند. لذا با ایستادگی و پایداری خود سنتهای انقلابی و مبارزه جویانه خلق کرد را تثبیت کردند.

خاطره مبارزه و شهادت قاضی محمد و یارانش با سنتهای مبارزاتی خلقها و به ویژه خلق زحمتکش کرد گره خورده. و به زندگی و فرهنگ آنها عجین شده است. شهادی خلق همواره در فرهنگ انقلابی خلق جاوید خواهند زیست.



سازره فعال ملی و وطناتی پای نهاد. در این مبارزه سیم ارزنده و بارز قاضی محمد و یارانش در هدایت ساززه خلق زحمتکش کرد و اعتلای سنتهای مبارزاتی در جامعه نمایان توجه است.

در سال ۱۳۲۴، پس از برقراری جمهوری خودمختار در آذربایجان، خلق کرد نیز به رهبری قاضی محمد، در کردستان جمهوری خودمختار اعلام نمود. اما علیرغم آنکه بیکار دمکراتیک و ملی در کردستان به رهبری قاضی محمد، بخشی از جنبش ضد امپریالیستی و رها شیبش توده های سراسر ایران بود، نتوانست در ارتباطی ارگانیک با جنبش سراسری قرار بگیرد، هر چند که تا شیر مستقیم در مبارزات توده های ما بر مناطق ایران گذاشت. اما دیری نپایید که رژیم فدخلقی شاه در هراس از گسترش چنین مبارزاتی با تجدید قوا، کردستان را مورد تهاجم و سرکوب

ماه فروردین در تاریخ مبارزات زحمتکشان کردستان با دآور خاطره شهادی میثماری است که در راه رسیدن به حقوق دمکراتیک خلق کرد به شهادت رسیده اند. ولی دهم فروردین ماه برای خلق مبارز کرد از ویژگی خاصی برخوردار است. در سیهده دم دهم فروردین ۱۳۲۴، رهبران و یار به گذاران جمهوری خودمختار کردستان، قاضی محمد، سید قاضی و مدر قاضی در میدان شیر مهیاد بدست دژ خیمان رژیم ارتشاهی شاه به دار آویخته شدند و سنت انقلابی مبارزه، پایداری و شهادت در راه آرمان خلقهای زحمتکش و مبارز را پاسدار نمودند.

خلق مبارز کرد که سالها ن دراز تحت حاکمیت ارتشاهی رضا شاه از ستم و انقیاد ملی و وطناتی رنج میبرد، در سالهای پس از شهریور ۲۰ دوش بدوش دیگر توده ها و خلقهای مبارز و انقلابی کشور، به عرصه

گرامی باد یاد ...

نی گذاشت. در چنین شرایطی بود که رفیق جزئی با کمک همزمانش با درک مبهم ترین ضرورت اجتماعی و تکیه بر تجربیات بریار و خونین مبارزه طبقاتی ایران اساسی سازمانی را پی ریزی کرد که رهبری سازماندهی مبارزه قاطع و بیامان طبقه کارگر را علیه رژیم وابسته به امپریالیسم و نظام موجود تا محو کامل استثمار در دستور قراردادده بود، و انقلابیون را از پراکندگی و اتلاف نیرو و بیانسبل مبارزه نجات میداد.

شکل گیری سازمانی رزمنده به با ایدئولوژی مارکسیسم - لنینیسم نه بنا بر اراده رفیق جزئی و نه بر پایه میل محافل روشنفکری بود بلکه مرفا محصول درکی آگاهانه از یک ضرورت تاریخی خطیر بود.

با تشکیل اولین نطفه های سازمان، مهمترین بخش این وظیفه تاریخی انجام شده بود و به دنبال خود سیر مداوم پیوستن نیروهای کمونیست به سازمان جریان داشی خود را تاکنون حفظ کرده

در صفحه ۲۲

که زندان ها و شکنجه گاه های رژیم صحنه پر شور آسپوره های پایداری مبارزین در بند به ویژه کارگران و کمونیستهای بود که با وجود خیانت تنفر انگیز حزب توده، همچنان بر عزم انقلابی خود تکیه داده و شکنجه و اعدام را به تسخیر می گرفتند. رژیم منظم به هرتلاشی برای حفظ و تثبیت خود دست میزد اما تا کام تر از همیشه بر شدت فشار شکنجه و زندان میافزود و در راه همین فشار و روکود مبارزات کارگران و زحمتکشان بود که نتوانست موقتاً بر اوضاع مسلط شود. مهمترین نکته در نتیجه نبود یک سازمان انقلابی مارکسیست - لنینیست که رهبری مبارزات کارگران را بر عهده گیرد، مبارزات پراکنده طبقه کارگر و نیروهای انقلابی جامعه به هرز رفتن و کمترین دست آورد مطلوب رانداشت و مبارزه بی هدف و بدون جهت مشخص، تا شیر مسمومی برای تنفیر نظام موجود بر جای

میزان نیز ترور و رفیق بر روند مبارزه جاری که اکنون در راه به تلاش رفیق جزئی و یارانش با تشکیل سازمان جریکهای فدائی خلق ایران هدفدار شده بود، لطافت جدی وارد کرد. تا شیری که سازمان جریکهای فدائی خلق ایران بر تشکیل سازماندهی کمونیستها وجهت دار کردن مبارزه طبقاتی در ایران با افشاء و طرد اپورتونیسم راست بر جای گذاشت هر کسی پوشیده نیست، شکل گیری سازمان در شرایطی بود که مدعیان رهبری مبارزه طبقاتی در دهه ۳۰ قرن اخیر با همه لاک و گزافشان عاجز از درک ضروری ترین نیاز زمانه و بی خبر از فعل و انفعالات جوان طبقاتی در لاک حقیر زندگی شخصی فرو رفته و بهیروزی موقت دولت وابسته به امپریالیسم را در ۲۸ مرداد ابدی فرض کرده و در کنج عافیت به مجیز گوئی نظم موجود پرداخته بودند، خیانت و درماندگی حزب توده و جنبه ملی به دلیل ماهیتشان بر اعتمادی را نسبت به خود در بین توده های زحمتکش ناسود کرده و از کمترین اعتباری برخوردار نشودند. این در حالی



اول ماه مه جلوه زنده ای از تاریخ مبارزات کارگران جهان *

روزی که در اول ماه مه یک واقعه زنده تاریخی از مبارزات طبقاتی کارگران سراسر جهان است و به همین خاطر از ابتدا تاکنون منگین گشته تمام مراکز و لحظات این مبارزه است. در ظاهر همین همان لحظات، همان محرابها، میثالات، مراسمها و گذراندن قطعاتی مناسبتی تکرار میشود و از این جهت آنها شبیه دیدن لفظ در سطح این مسائل مانی میماند و نمیتواند تغییرات روابط درونی پدیدهها را منعکس کند و نموده میکند که روز اول ماه مه بخاطر تکرار هر ساله آن اهمیت خود را از دست داده و به نظاره ای بی محتوی تبدیل شده است. روز اول ماه مه در زیر جلوه بظاهر یک تظاهرات منظم و منظم مبارزه طبقاتیست.

چون اول ماه مه در دوران تاریخی خود به مرحله مهمی رسیده و در سالهای اول این جشن از طرف تمام کارگران جهان با انتظارات فوق العاده و باشعور و شوق خاصی برپا میشود، طبقه کارگر به ابزارهای مبارزاتی خود، سلاح جدیدی افزوده بود و اولین آزمایشها با این سلاح جدید مبارزه، احساس و شور و هیجان مبارزاتی میلیونها انسان تحت تسلط و استثمار را برانگیخته بود. از طرف دیگر بورژوازی تمام ممالک با ترس و نفرت هر چه بیشتر خود را با تظاهرات جدید مبارزه طبقاتی مواجه میدید. نظرات انترناسیونال سوسیالیستی در دهه سوزواری مجدداً شح استرالیسیستال قدیمی را زنده میکرد. سرکاری جورانه و هرمان جنس کارگری بین المللی برای سوزواری، همچون تانوس مرگ سرمایه - داری میشود. به همین دلیل سوزواری در سالهای اول دیوانه وار دسته بندی و سازماندهی را نمیتواند با خطرات ناشی از روز اول ماه مه وسیله رور و اعمال تیر ارتجاعی نیروهای ارتش و پلیس مناله کند. همزمان بهنگام این نیروی مسلح سوزواری، جمهوری آزاد فرانسه وارد گود

ند و پس از آن استبداد تزاری روز اول ماه مه در سال ۱۸۹۱ در شهر نورمی Fourmies فرانسه اولین تریایی خود را داد و در سال ۱۸۹۲ به یک سرباز روس در لیتوان روسیه در شهر لودز Łódź محرومان طبقات حاکم نتوانستند ورودی آرامش از دست رفته را بازیابند و روز اول ماه مه را فقط به عنوان روزی برای تظاهرات برسمیت بشناسد. از طرف دیگر ضروری بنظر میرسد که مرحله ای طولانی برای ادامه مبارزه پارلمانی و توسعه آرام سازماندهی سیاسی و سوسیالیستی در جنبش کارگری سیری شود. سالگرد روز اول ماه مه در آلمان تحویب فواییسی به دفع سوسیالیستها راه همراه داشت. در سال ۱۸۹۳ (۱) بلژیک متحد شدند و در سال ۱۸۹۶ کارگران تریس (۲) موفق شدند به پارلمان آن کشور وارد شدند. سالهای ۹۰ در همه جا دورانی جدید از فعالیتهای سوسیالیستی و رشد مداومی در نمایندگان پارلمانی طبقه کارگر با خود بارمان آورد.

چنانچه در ماه مه دانت کم کم تبدیل یک جنبش عمومی ممالک امپری متدوجا به سوزواری با خیال آسوده به آن میگریست. اما در سالهای اخیر تغییرات قابل توجهی در موقعیت جنبش کارگری بوجود آمده است و بار دیگر بادی سهمگین بر فراز پهنه سرباز و زمین آغاز کرده است. در شرق انقضا کسیر اکثر، در آلمان شدید و دوقطبی شدن مبارزه سیاسی و اقتصادی، اخراج وسیع کارگران در صنایع و متحد شدن تمام احزاب سوزواری برای بیرون راندن کارگران از پارلمان در فرانسه، یورش و حمله دولت رادیکال علیه سوسیالیستها و مبارزات مطالباتی کارگران که در سازمانهای قدرتمند کارگری متشکل شده بودند... سرمایه داری جهانی، و حمله و تفسی دسته حمله میزند. زمین سبب روز اول ماه مه وارد مرحله جدیدی میشود. وظیفه بیولتاریا امروزه چنین است: ساختن خویش به خود آگاهی و آگاهی به وظایف خود و فعالیت برای دورانی است که فرا رسیدن آن دیر یا زود قطعی و محتوم است و در این میان جشن اول ماه مه

وسله ای برای تظاهرات مستقیم شده است. بطور مشخص در آلمان می بایست همزمان جوامعی به شکست پارلمانی سوسیال دموکراسی در ۲۵ ژانویه جشن اول ماه مه باشند و وسعت هر چه بیشتر برگزار شود. توده کارگران باید به توده متحد و ارتجاعی سوزواری بگویند: شما میخواهید نمایندگان ما را از انتخابکاری بیرون کنید، لیکن اکنون ما خود در اینجا هستیم و شما ما را محصور، همبسته تر و رزمنده تر از همه می بایست.

علاوه بر آنچه گفته شد نکته دیگری از جشن ماه مه با قدرتی بیشتر تظاهرات میکند و آن، جهانی بودن مسائل کارگری است.

تاریخیک مبارزه طبقاتی در هر مملکتی از حداقل میزان آزادیهای دموکراتیک برخوردار است و تاریخیکه پارلمان میتواند کار مثبتی انجام دهد، حسن کارگری هم در هر کشور محدود و سبب جهانی نمیشود، اما همینکه مبارزه از حالت دموکراتیک و پارلمانی به سمت حالت تیرآمیز تغییر جهت میدهد و همینکه مبارزه مریحانه مرز برخورد توده ها با قدرتهای حاکم نزدیک میشود، آشکارا میشود که طبقه کارگر در سطح جهانی مطرح و جدایی ناپذیر است. تدارکات هر ساله سوزواری برای روز اول ماه مه در همه ممالک به طبقه کارگران با دآوری را میکند که مبارزه آزادیبخش و مبارزه ای یگانه و متحد در سراسر جهان است. اما امروز در خط اول ارتش کارگران جهان بیولتاریا روسیه قرار دارد. بیولتاریا در سوزمین انقلاب و مبارزات انقلابی این بیولتاریا و تجربیات و مشکلاتش بزرگترین مدرسه تاریخی برای نسلهای آینده است.

روز اول ماه مه ممالک با نفس تازه بر توان اوج میگردد و همانند همان دوران اول با نفرت و وحشت سوزواری و یگانگی و شوق مبارزاتی طبقه کارگر است و سال میشود.

از همان ابتدا تظاهرات کارگری برای ۸ ساعت کار روزانه و صلح جهانی به تظاهرات برای انقلاب بیولتاریا تبدیل میشود. شکوفایی غیرمنتظره ای بوجود میآید. زیرا روز اول ماه مه زاده همان طوفان سهمگینی است که جامعه سوزواری را به لرزه درآورده و ما در صفحه ۲

قیام تبریز و دستاوردهای آن

چند خبر از شهرهای کردستان

پاسداران تعدادی از نیروهای خود را جهت سرکوب شده‌ها و متفرق کردن جمعیت به محل درگیری اعزام می‌کنند. افراد شهربانی نیز که خود را به محل رسانده بودند، درحالیکه پشت سرهم توسط بی سیم از سپاه پاسداران تقاضای کمک می‌کردند، از مقابل با شده‌ها ناتوان بودند. بدین ترتیب درگیری ایجاد شده، در ادامه خود تبدیل به یک حرکت اعتراضی گسترده می‌شود، بطوریکه مزدوران، به علت حضور توده‌ها در خیابان‌ها نمیتوانستند با استفاده از خودروهای نظامی به محل درگیری نیرو اعزام دارند. سرانجام، بعد از آنکه این درگیری‌ها و اعتراضات مدت ۲ دقیقه ادامه یافت یک دسته از سرکوبگران کلانتری خود را به محل رسانده و با وحشیگری هرچه تمامتر، به ضرب و شتم و دستگیری و متفرق نمودن اهالی پرداختند. توده‌های خشمگین علیرغم خشونت مزدوران، در بسیاری موارد توانستند با حمله به خودروهای نظامی، دستگیرشدگان را از چنگ سرکوبگران رها سازند.

گرامی یاد

آن هنگام که درسا هجالتی رژیم شاه به امرایان ناهنجار و نژادپرست خود جنین اشتغال داشت.

رژیم درمانده شاه که تحت هیچ شرایطی نمیتوانست این رهبر ستارگ انقلابی را از ادامه مبارزه بازدارد در اوج استیصال چاره را در ترور فدائی کبیر رفیق بیژن جزئی و یاران آگاه و رزمنده‌اش دید.

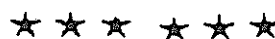
همان روز دوشن از مجاهدین خلق، کاظم ذوالانوار و محطی جوان خوشدل نیز توسط دژخیمان رژیم به شهادت رسیدند.



بود از ساررهای قاطع علیه ارتجاع، تسلیح توده‌ای، و دعوت به مشارکت هرچه بیشتر توده‌ها در حکومت، عمل نکرد. به همین دلیل نیرتنهادسته‌های بسیار محدودی از افراد مسلح موظف بدفاع از دستاوردهای قیام بودند و بشیر نیز از نظرات حکام نظامی کمترین توجهی نشده بود. مفاصل که به مهم‌ترین مسئله رفاهی آن زمان که بهبود وضع زحمتکشان و کارگران و حل مسئله ارضی و دهقانی که در رأس آن قرارداد است کمترین بهاء لازم داده نشده و نیروی عظیم دهقانان را به خود جلب نکردند. ضعف مهم سیاسی قیام نیز عدم ارتباط آن با جنبش رها شیبش ملی در سایر مناطق ایران بود که اتفاقاً در همان مقطع غلبان های انقلابی انفجار آمیزی داشت نظیر گیلان و خراسان.

این قیام بدلیل مقامد خاص طبقاتی بالاخص حضور عناصری از بورژوازی تجاری در رأس آن نمیتوانست حاصل بشانسل انقلابی ارتقاء یابنده‌ای باشد در نتیجه بعد از پیروزی به سیر نزولی افتاده و از خطت تعرضی آغازینش عدول کرده و به سرانجام سازش و ممانعت افتاد و سرانجام در مرداد همان سال به دست ارتش ارتجاعی دست نشاند امپریالیسم انگلستان بعد از دفاعی بیرق که بیش از آن هم نمیشد انتظار از نیروهای تشکیل دهنده‌اش داشت سقوط کرد و بسیاری از دمکراتها و از جمله رهبر آزادیخواش شیخ محمد خیابانی دستگیر و به دست دژخیمان ارتجاع رفائلی به شهادت رسیدند.

قیام تبریز با وجود نقاط ضعفش، تجربیات ارزشمندی برای جنبش ضد-امپریالیستی دمکراتیک خلقهای ایران دربرداشت. از جمله مهمترین دستاوردهای قیام تبریز آموزشی است که توجه به ترکیب طبقاتی نیروی رهبری و تزلزل و ناپایداری ذاتی در امر پیشبرد منافع توده‌ها را دربردارد. و ماعت فلسف و شکست را در همین رابطه نشان دادیم. یاد جانبا زینای مردم دلاور آذربایجان و شیریز قهرمان گرامی باد.



بعد از شکست انقلاب مشروطیت، سر پایه یک سلسله فعل و انفعالات اجتماعی ایران و منطقه، بویژه پیروزی انقلاب کبیراکثر-برهبری جمعی از آزادیخواهان مشروطه طلب، از جمله شیخ محمد خیابانی، قیام تبریز به پیروزی رسید. کمیته‌ای از دمکراتهای آذربایجان روز هفده فروردین ماه ۱۲۹۹ با در دست گرفتن زمام امور در شهر تبریز که هنوز هیجانات شورانگیز مشروطه خواهی را حفظ کرده بود- حکومت دمکراتهای آذربایجان را تشکیل داد.

حکومت دمکراتهای آذربایجان برنامه خود را در دو ماده به این شرح:

- برقرار داشتن آسایش عمومی
- از قوه به فعل در آمدن رژیم مشروطیت غلامه کرد. و در ظرف مدت کوتاهی شور و شوق آزادیخواهی را به سراسر آذربایجان اشتغال داد. شهرهای خوی، ارومیه، اردبیل، مراغه، سلماس و زنجان نیز به دست آزادیخواهان افتاد و حکومت دمکراتها بر آن مسلط شد. اقدام مهم دمکراتهای آذربایجان املاحاتی بود در زمینه مسائل رفاهی از قبیل، مبارزه علیه احتکار، پاشین آوردن قیمت کالاها و تثبیت آن، احداث مدارس و بیمارستانها و تشکیل کمیته‌های به منظور املاحات در شئون دادگستری، کشاورزی و آموزش و پرورش.

قیام دمکراتهای آذربایجان تا شهر مثبتی بر رشد جنبش ملی دمکراتیک در سراسر ایران بویژه در تهران باقی گذاشت. و در تغییر ترکیب رجالاتجاری دولت دست نشاند رفائلی تاثیر کرد. قیام آذربایجان که قدرت و نیروی آنرا بورژوازی و خرده بورژوازی تجاری، بهبه‌وران، تهیدستان شهری، و طبقه کارگر در حال رشد تشکیل میداد، دارای نقاط ضعفی بود که باید مورد توجه قرار گیرد، بویژه نقش همزیست بورژوازی تجاری در این ترکیب ما همتا نمیتوانست جهت گیری مترقیانه‌تری داشته باشد و از حدا ملاحات بی‌زمانی که منافع اقشار شرکت کننده در رهبری آساره خطر نیندازد ارتقاء بهتری نداشت و در نتیجه به اقدامات انقلابی همراه با تحولات بنیبنیادی شما نجامید، و بوظایف امیش که عبارت

گومه له بوندیست

دروطره اکونومیسم

کردستان " باشد و ناکنون نیز مدعی آن بوده است. اما در عمل، واقعیت‌های موجود جامعه منابر با این امر در برابر گومه له جان خستی کرده است. گومه له این بار میگوید و در ناکیا - مکرر با آوری میکند که باید "گومه له به تشکل رهبران و فعالین جنبش کارگری و کارگران پیشرو کردستان تبدیل گردد"، "باید" تشکیلات حزبی در میان کارگران کردستان " گسترش یابد. اما گومه له برخلاف کلیه نیاتی که میتواند داشته باشد همچنان درجا میزند، چراکه گومه له اعتقادی به اصول کمونیسم ندارد چراکه منافع تنگ نظرانه و ناسیونالیستی گومه له عامل تعیین کننده سیاستها و عملکردهای او میباشد. انحراف و فکف گومه له در این جهت که نتوانسته به "تشکل رهبران و فعالین جنبش کارگری و کارگران پیشرو کردستان، تبدیل شود، انحراف اساسی او در دیدگاهی است که منافع کارگران کرد را از کل طبقه کارگر ایران جدا میکند، به رژیم جمهوری اسلامی بمثابة نیروی اشغالگر در کردستان برخورد می نماید، سرنوشت جنبش خلق کرد را از سرنوشت انقلاب دمکراتیک شده ای ایران جدا می بیند و همواره بر ایجاد تفرقه و جدایی میان کل طبقه کارگر ایران میگوید. دیدگاه گومه له با همبستگی منافع طبقاتی پرولتاریا متعارض است، او تحت لوای دفاع از منافع کارگران کردستان، برای انزوای ملی کارگران کرد فعالیت میکند، بی اعتمادی کل طبقه کارگر ایران را نسبت به کارگران کرد اتاعه میدهد و خطت طبقاتی مبارزه را با عامل ملی مخدوش میکند. اگر در مانیفست حزب کمونیست برایین مسئله که " در سازات پرولترهای کشورهای مختلف کمونیستها روی منافع مشترک شما میسر پرولتاریا مستقل از هر ملیتی که دارند، انگشت میگذارند و بخاطرش بیگام میکنند." گومه له روی منافع ملی کارگران کردستان انگشت میگذارد و برای آن بیگام میکند. در حالیکه مارکسیستهای ملل تحت ستم باید " برای دستیابی به اتحاد کامل و مطلق (و همبطور سازمانی)

اصول ابتدائی کمونیسم بدست نیاورده اند بلکه همچنان سردیدگاه سوندهنی خود های می فشارند.

اطلاعیه با نیاتی کنگره پنجم گومه له ملل از عبارت پردازیهای متناقض همبستگی او است: " نحوه گسترش تشکیلات حزبی در میان کارگران و زحمتکشان کردستان، "پیشرفت و پیروزی مبارزه طبقه کارگر و جنبش انقلابی خلق کرد درگرو وجود و گسترش تشکیلات مستحکم کمونیستی است"، "فعالیت نقشه مند و اصولگرایی کمونیستی" و "تبدیل" گومه له به "تشکل رهبران و فعالین جنبش کارگری و کارگران پیشرو کردستان". (تاکیدها از ماست)

گومه له بوندیست که همواره خود را "ظهور آگاه و متمشکل پرولتاریای جوان کردستان" خوانده و با دستاویز قرار دادن این مسئله، بدفاع از "نوع و بیزه و خاصی از حقوق سیاسی و تشکیلاتی با درجه خاصی از استقلال" پرداخته و بدین وسیله بر ایجاد تفرقه و جدایی میان کل طبقه کارگر ایران کوشیده است، این بار ظاهرا در مدد دفع انحرافات خود برآمده و از تبدیل گومه له به "تشکل رهبران و فعالین جنبش کارگری و کارگران پیشرو کردستان" سخن میگوید. دیدگاه تشنگ نظرانه و ناسیونالیستی بوندیستهای ما به آنها اجازه نمیدهد که ملاهم عام و اولیه "اصولگرایی کمونیستی" را درک کنند. آنها درک نمیکنند اساس وجودی گومه له در تضاد با "تشکیلات مستحکم کمونیستی" است، دفاع از "نوع و بیزه و خاصی از حقوق سیاسی و تشکیلاتی با درجه خاصی از استقلال" درون یک تشکل واحد داشتن کمیته مرکزی و کنگره متمایز هیچ قرابتی با "تشکیلات حزبی" و حزب کمونیست ندارد و دفاع آشکار و علنی از اصل فدرالی تشکیلات است.

از نظر ما اینکه گومه له بعد از چند سال تبلیغات پرهیاهو تحت عنوان "بخش پیمانهنگ پرولتاریای کردستان"، امروز بر تبدیل گومه له به "تشکل... کارگران پیشرو کردستان" تاکیدها میبوزد، مسئله غریبی نیست. اگر تعلقات طبقاتی گومه له اجازه میداد حتما انحرافات اساسی این سازمان به زهر مہمیز اشتقاق کشیده میشد ولی از گومه له بمثابة "مظهر آگاه و متمشکل" دهقانان "کردستان" انتظاری غیر از این نیست. گومه له میخواهد "مظهر آگاه پرولتاریای

در میان کارگران ملل تحت ستم و کارگران ملل ستمگر مبارزه کنند." (در باره مسائل ملی و استعماری - لنین) نقض چنین اتحادی، انحلال جنبش مستقل پرولتاریا، انحلال حزب، انحلال تشکیلات طبقه کارگر در تشکیلات بورژوازی و خرده بورژوازی است.

در رابطه با عملکردها و سیاستهای گومه له طی دو سال ونیم گذشته از آنجا که مموبات و ممباحثات کنگره های گومه له در دست نیست ما برخورد به آنها موکول به آئینده میکنیم، اما تا بید "سیاست عمومی و مواضع تاکنونی" کمیته مرکزی گومه له، در قبال حزب دمکرات و ضرورت تدایم "این سیاست در وجوه مختلف"، توسط کنگره گومه له، در حقیقت اصرار ورزیدن بر سیاستهای آنارشیستی و ولونتاریستی گومه له در قبال جنبش انقلابی خلق کرد است.

تا بید "سیاست عمومی و مواضع تاکنونی" گومه له در قبال حزب دمکرات جر تدایم درگیریهای خونین میان پیشروگان این دو نیرو معنای دیگری نمیتواند داشته باشد. درگیریهای خونینی که با خاک و خون کشیده شدن مدها تن از فرزندان زحمتکشان کردستان و با اتلاف انرژی و پتانسیل جنبش انقلابی خلق کرد، بمثابة مهمترین عامل بازدارنده و مخربی است که در روند این جنبش نقش داشته است.

حزب دمکرات بعنوان عامل اصلی تدایم این درگیریها و با پافشاری بر سیاستهای غیر اصولی، ضد دمکراتیک و غیر مسئولانه خود و گومه له با محدود نگریها و دنباله رویهای کور خود از حوادث، با دامن زدن به این درگیریها، ضف ویی - کفایتی ذاتی خود را در هدایت و رهبری جنبش خلق کرد به نمایش گذاشتند.

در این میان سیاستهای گومه له با دفاع کجدار و مریز خود از آتش بس و مذاکره برای حل اختلافات فیما بین به شیوه سیاسی قابل بحث و تمسق بیشتری است.

گومه له که همواره در تشروری و پراتیک با دفاع از برنامه های بورژوا - رفرمیستی از قبیل "حقوق پایه ای مردم زحمتکش در کردستان" بی اعتقادی عمیق خود، راه اهداف واقعی جنبش انقلابی

خلق کرد و قدرت و اراده خود را به زحمت کشان کردستان نشان داده است. پس از انتشار پشمیرگان خود توسط حزب دمکرات در منطقه اورامان، این سی اعتنادهای وسیع را به یکبار دیگر انکار ساخت. کومه له با تبلیغ سیاست ترس متقابل و بیان توهمی این ترس بهانه مبارزه حاد پروتستارها با سوزواری در کردستان، آتشبار درگیری ای شد که مستقیماً مانع حیاتی جستن خلق کرد را آماج قرار داد. کومه له بجای اتکاء به نیروی لایزال توده ها، برای دفاع از دمکراسی مورد نظر خود و اعمال فشار بر حزب دمکرات از کانال بسیج و سازماندهی توده های مردم کردستان و به جای اتخاذ سیاستها و تاکتیکهای اصولی در جهت جلوگیری از دامن زدن هرچه بیشتر به درگیری میان پشمیرگان، خود به ترس متقابل علیه حزب دمکرات دست یازید. شروع مجدد درگیریها در همان منطقه این بار با هدایت آگاهانه کومه له ابعاد وسیعتری برای درگیریها بخشید. کومه له انتقام جویی نرفته - گراپانه خود را ترس پروتستارها علیه سوزواری قلمداد نمود تا بدین وسیله شعار "هل من سارز" حزب دمکرات را نیز جواسی داده باشد.

ماههای اول درگیری، کومه له در حالیکه در برابر پیش شرطهای غیر - دمکراتیک حزب دمکرات از ضرورت مذاکره برای آتش بس و حل سیاسی اختلافات دفاع میکرد، اما "اعلامیه حقوق یابهای مردم زحمتکش در کردستان" را مسای هرگونه شوافی قرارداد نامنافرار دادن اصولی کلی، محال خود را از اراده یک راه حل مشخص و عملی راحت سازد. تداوم درگیریهای نظامی میان پشمیرگان دو - نیرو، موجی از اعتراضات توده ای را علیه سیاستهای غیر مسئولانه حزب - دمکرات و کومه له برانگیخت.

سازمان ما با محکوم دانستن موانع توسل به اسلحه برای حل اختلافات میان پشمیرگان و کومه له، با ارائه راه حلهای عملی در جهت حل اختلافات میان حزب و کومه له، تلاش مستمری را بکار گرفت، و برای قطع درگیریهای حزب - دمکرات و کومه له، طرح پیشنهادی - مادهای خود را به جنبش ارائه کرد.

کومه له بوندیست

در ورطه اکونومیسیم

کومه له علیرغم انتشار طرحی مشابه مبنی بر برقراری آتش بس بدون قید و شرط و امضا توافقاتی بین "طرفین"، در پلنوم تیر ماه کمیته مرکزی خود، مجدداً بر تداوم درگیریهای نظامی میان پشمیرگان خود و حزب دمکرات پای نهد:

"لذا در وضعیت فعلی تنها راه انقلابی برای خاتمه دادن به جنگ جاری عبارتست از شکست سیاستها و اهداف سیاسی فدا انقلابی حزب دمکرات از طریق کسب پیروزی در جنگ جاری". (قطعه نامه پلنوم مرکزیت کومه له درباره جنگ جاری میان حزب دمکرات و کومه له) (تاکیدها از ماست)

کومه له در همین قطعه نامه از سویی "ارتباط مستقیم جنگ کنونی را با منافع زحمتکشان و ضرورت سهم بودن و مشارکت هرچه فعالانه تر آنان را در مبارزه علیه حزب دمکرات و سیاستهای آن" توضیح میدهد و از سوی دیگر "خواهان قطع جنگ و پیشبرد سیاسی و مسالمت آمیز مناسبات و مبارزه سیاسی بین احزاب سیاسی در کردستان" میگردد. کومه له که از پیشبرد این جنگ اهداف سکتاریستی و گروهی مشخص خود را دنبال میکند اما از آنجا که این جنگ در شرایط جدی با "منافع زحمتکشان" و "مخالص جنبش خلق کسود" قرار دارد، مانند همیشه دچار سردرگمی گیسری میشود. از سویی این جنگ را در ارتباط مستقیم با منافع زحمتکشان ارزیابی میکند و از سویی دیگر خواهان قطع آن است، در حالیکه "تنها راه انقلابی برای خاتمه دادن به جنگ جاری"، از نظر کومه له شکست حزب دمکرات "از طریق کسب پیروزی در جنگ جاری" است. این است مفهوم واقعی شعار آتش بس کومه له! شماره های ۲۱ و ۲۲ نشریه کمونیست منافع کومه له را در ارتباط مستقیم با "جنگ جاری" روشن میسازد:

۱- "ظهور قدرت فاشه" جدید در تلویزیونهای اروپا و اینکه "محافل سیاسی خارج" ناگزیر از رسمیت شناختن

"این قدرت فاشه" و باز کردن حساب جدیدی برای آن شدند.

۲- "در عرصه نظامی، این جنگ تنها هدف حزب دمکرات را از معرفی خود بعنوان حزب قدر قدرت در کردستان بر آورده نکرد بلکه تصویر دیگری از تناسب واقعی نیروها در کردستان بدست داد."

۳- "رفقای ما در جنگ پخته تر و آزموده تر شدند."

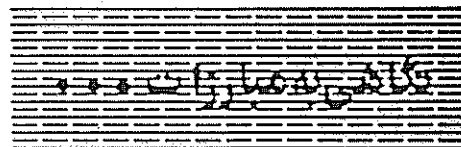
از نظر کومه له فرمایش توان و انرژی پشمیرگان دوطرفه قربانی شدن صدها تن از آنان، سودجویی رژیم جمهوری اسلامی از موقعیتی که این جنگ در کردستان بوجود آورده، تأثیرات مخربی که این جنگ بر اذهان توده های مردم و پشمیرگان دوطرفه برجای گذاشته و بطور کلی انحراف جنبش خلق کرد از مسیر اصلی خود، همه و همه در خدمت: برسمیت شناخته شدن کومه له توسط محافل سیاسی خارج، بدست دادن تصویر دیگری از تناسب نیروها در کردستان، آزموده تر شدن نیروهای کومه له اهدافی که در "ارتباط مستقیم با منافع زحمتکشان" (بخوان منافع سکتاریستی کومه له) قرار دارد، است. بی جهت نیست که کومه له، تحت فشار اعتراضات توده ای و واقعیات جنبش، در حالیکه به ظاهر از آتش بس و مذاکره فوری و بی قید و شرط دفاع میکند، خود، همانند حزب دمکرات، اما به نوعی دیگر، بر سر راه آتش بس و مذاکره فوری و بی قید و شرط، مانع ایجاد کرده و از حزب دمکرات میخواهد که موارد زیرین را "رسماً بپذیرفته و اجرای عملی آنها را تعهد نماید":

"الف - آزادی کامل فعالیت های سیاسی را برسمیت بشناسد و در عمل مراعات کند.

ب - متعهد شود که در قبال اختلافات سیاسی فیما بین به اسلحه متوسل نمیشود، از خلق درگیریهای مسلحانه با کومه له خودداری میورزد.

ج - حق توده های مردم کردستان و اتحاد آنها را برای اینکه آزادانه و بنا به اراده خود سرنوشت، راه سیاسی و حزب سیاسی خود را انتخاب کنند برسمیت بشناسد و تعهد نماید که در این رابطه به زور متوسل نخواهد شد و حقوق و آزادیهای

در صفحه ۲۲



جنگ عسلی ۱۳/۲۳ درمدم به سست ۱۸۶ مورد
کل حرکتی اسام شده مشاهده میگردد.

ویا سورا بدن آسپا نمودند.
در نیمه سال گذشته مردوران طی یک
یورش احوالی روستاهای "تومین"، "دی -
گوران" رادر منطقه "گدلی برده رهن" شمال
کردستان را از خانه های شان بیرون رانده
و هر ۲ روستا را بعد از تخلیه با آتش

موضوع حرکت	مورد	مورد در حرکت به درمدم	★
تلیه سرکوب	۷۸	۲۱ / ۹۳	۱
تلیه تسلیم اجباری	۴۸	۲۵ / ۸۰	۲
تلیه سربازگیری	۳۴	۱۸ / ۲۷	۳
تلیه جنگ	۲۵	۱۳ / ۲۳	۴
مجموع حرکات اعتراضی در سال ۶۴	۱۸۶	۱۰۰٪	

کشیده شد.
طی همین ماه روستاهای "کیچکاران"،
"کاولان"، "ناموآباد"، "لوان" در منطقه
ارومیه با آتش کشیده شد و در مورد دیگری
بعد از موفقیت عملیات مشترک ایران و
ترکیه برای تخریب یک منطقه همجوار،
مردوران با هلی کوپتر مواد سوختی ناشی
روستای "بازرگان" در منطقه "سراخان" را
با آتش کشیدند. مثابه یک جنبش
اقداماتی نیز در منطقه مهاباد،
اشنویه، بوکان، بیروانشهر وجود داشت.
علاوه بر اینها رژیم در بعضی
مناطق نفوذ آنها را ملغ نموده و آنان
را وسیله پیشبرد سیاستهای سرکوبگرانه
خود علیه کشاورزان تهدید قرار داد.
کسه و دهکده داران در شهرها تحت فشار
قرار گرفتند و همکاری با رژیم شرط
ادامه شغلشان قرار داده شد.

مردوران رنان رانیز در روستاها
خیابانها، محلات شهرها مورد اجناسات
متعدد قرار دادند. چنین بودم زورانه
ترین شیوه های سرکوبگرانه برای درهم
نکتن واهی اراده توده های انقلابی
کردستان.

در اقدامات یاد شده در سال گذشته
که بالغ بر ۱۳۸ مورد از اقدامات
مردوران برای اجرای سیاست سرکوب
می باشد، علاوه بر اینکه تقریباً درهمه
مورد بنحوی توده ها با مقاومت خود از
تن سپردن به خواست مزدوران خودداری
نمیل آوردند، مثلاً ۸۷ مورد حرکت

حال سیمیم نتایج عملی اجرای
سیاستهای ضد خلقی که در فوق شمهای زن
آن طرح گردید راز سالیهای قتل توسط
مزدوران علیه کارگران و روستائیان
کردستان اعمال میگردد، چگونه است.
سیاست سرکوب توده های انقلابی که
رژیم از اجرای آن هدفهای مشخصی را
دشال میکند، شلور خشن ترین مداخله
پلمی در زندگی مردم است.
در همین رابطه طی سال گذشته
مزدوران، بسیاری روستاها را مورد یورش
قرار دادند و سرکوبه شکجه و گشتار
اهالی میداع برداختند. مدهانسر را
دستگیر و بسیاری از آنان رادر منازل
چشمهای بهترده مردم به جوخه اقدام
سپردند، تعداد زیادی از روستاها به
محاصره درآمد و برای اعمال کنترل بر
آنها مزدوران اطراف آنها با سیم جاردار
حصار کشیدند و تردد اهالی را تحت نظارت
قرار دادند. خانه گردی، تفتیش خانه ها،
سرقراری حکومت نظامی، تویل به زور
و اخاذی مالی تقریباً در هر جایی وجود
داشت. بسیاری از روستاها به سبب
آتشباری توپ و خمباره تراسر گرفت و در
موردی دیگر سروی اهالی آتش کشوده شد.
مزدوران در چندین مورد آن سدی
از روستاهایی را که قادر به کنترل آنها
نمودند و هر کدام از آنان به ثوابه گانسون
حمایتی مادی و معنوی پیشمرگان شمار
میرفت تهدید به تخلیه کردند و در مواردی
قبل از پایان بهلت مقرر اقدام به تخریب

دسته جمعی اعتراضی در بیش از ۷۵ روستا
۱۳ شهر کردستان شکل گرفت.
رژیم با توسل به سیاست سربازگیر
احضاری و تسلیم اجباری اهالی
رحمکن روستاها تاکنون سیاست
های منحصی را در کردستان
دشال کرده است.

در واقع این سیاستها با اشکال
مختلف در ارتباط با هم اتخاذ گردیده است
رژیم از این طریق تلاش میکند تا کمبو
نیروی انسانی در ماشین جنگی خود را در
وجه سرکوب داخلی و جنگ با عراق جبراً
نموده و از طرفی با تسلیم اجباری، بخش
از اهالی کوشیده است، ضمن جایگزینی
نیروی پایگاههای مستقر در روستا
رو در رو فرار دادن مردم با پیشمرکا
خود جوانان را تحت فشار قرار داده و
پیوستن آنان به صفوف پیشمرگان معاند
نمیل آورد.

مزدوران رژیم برای اجرای سیاست
تسلیم و سربازگیری اجباری بیش از همه
بدرج ترین شیوه های خود در این زمینه
جنگ انداختند. محاصره روستاها، گشتار
تردد اهالی، ایجاد پستهای بازرسی
در مسیر جاده و حداقل شهرها، محاصره
محلهای تجمع مردم در شهرها و مهمت
از همه دستگیریهای وسیع و دسته جمعی
از جمله شیوه هایی است که مزدوران
برای پیشبرد سیاستهای ضد انقلابیشان
بدان دست میزنند.

تاکنون مزدوران رژیم برای پیشبرد
سیاست سربازگیری در مناطق مختلف اقدام
به صدور اطلاعیه کرده و مشمولین را
احضار نموده اند. از جمله سپاه پاسداران
در اواخر تیرماه طی اطلاعیه خود
مشمولین ۲۴ روستای منطقه سردشت را فرا
خواند و فوراً یورش خود را برای دستگیری آنها
اشار نمود. سردوران قریب
۱۱۵ روستا را همزمان در مناطق "شامات"
"معال"، "چوم مجیدخان" منطقه مهاباد
سدازیورش، تحت محاصره گرفتند و به
دستگیری جوانان پرداختند.
تنها به مورد از وسیعترین
دستگیریها، دامنه یورشهای رژیم را
بیروشنی نشان میدهد.

در مورد اول و دوم ۳۰۰ نفر از
جوانان در منطقه اورامان ۱۰۰ نفر در
منطقه ارومیه طی مه ماه و مورد سوم
۵۰۰ نفر از جوانان شهر و روستاهای اطراف
بوکان در آبان ماه دستگیر شدند و به

نگاهی به مبارزات

مراکز نظامی رژیم اشغال با مانند همجس سردوران برای واداشتن رزمندگان به تسلیم اجباری از هیچ اقدامی فروگذار نکردند. نوبل به زور و سبعا تعمیق، یکسری موفقیتهایی برای رژیم در این زمینه حاصل کرد تا حدی که تعدادی از اهالی روستاها با اجبار ملحق شدند. در بخشهایی از کردستان مزدوران گوشیدند دانش آموزان را نیز تحت عنوان "سپح مسلح مدارس" به تسلیم وادارند. رژیم در مناطقی که قادر به پیشبرد مستقیم این سیاست نکشت، با فراخوان شوراهای روستاها و ملایا آنان را ماسور کرد تا اهالی روستاها را به تسلیم در مقابل سیاست تسلیم اجباری وادار سازند. در مقابل با اجرای عملی این سیاست تدابیر طی سال گذشته در مقابل ۱۲۷ مورد اقدام مزدوران رژیم در سراسر کردستان برای اجرای سیاست سرکوبگری اجباری متخفا ۲۶ حرکت اعتراضی در ۳۵ روستا و ۵ شهر از سوی کارگران و رزمندگان صورت گرفت و در زمینه تسلیم اجباری از ۶۶ مورد اقدام مستقیم رژیم برای واداشتن روستاها به تسلیم، در مقابل ۲۸ مورد اعتراضی مقاومت و حرکت دسته جمعی در ۸۱ روستا و ۱ شهر وجود داشت. جنگ ارتعایی دولتی ایران و عراق نیرو در سال گذشته با آتش خانها سوزش همچنان اسوه مصیبت و فداکت را بر دوش کارگران و رزمندگان تحمل کرد و روستاهای انقلابی کردستان را از اثرات فاجعه بار خود سی نمیب گذاشت. علاوه بر سماران دهها شهر و روستای کردستان، سی خانمانسی و آوارگی تعداد بسیاری از رزمندگان و فرمانی ندر هزاران شاز مردم سیدساع در زیر آوار و آتش سب، نیروهای سرکوبگر رژیم بر سهیلانه جنگ با عراق بر تمهفات خود علیه اهالی سیدساع امروده واز هرفرمتمکی برای سرکوب روستاهای خلق کرد، اهالی منسرف و آوارگان سی خانمان بود حت. رژیم برای منکوب ساختن آوارگان جنگ که برای نجات جان خود و فرزندانشان ناچار از ترک خانه و زندگی شان شده و بکوه و دشت اطراف شهرها پناه آورده

بهر حال طی سال گذشته بیش از ۵۰۰ تن از مردان و زنان روستاها و شهرهای کردستان در نتیجه سرکوب رژیم و انتقام کشی های آن از اهالی سیدساع به شهادت رسیدند. در ادامه تشریح سیاستها و عملکردهای ضد خلقی رژیم در کردستان و تا مل روی کلی ترین روش حرکات اعتراضی انجام گرفته در سال گذشته، در همین جا لازم به توضیح است، همانطور که فوقا ملاحظه گردید و جدول (ب) نیز نمایانگر آن است در مقایسه آماری اقدامات رژیم و حرکات روستاها در تعداد روستاها نسبت به موارد اعتراضی صرفا نشانگر این واقعیت است که در کردستان انقلابی زمینه های مادی برای حرکت های دسته جمعی که در موارد متعدد بنحو بارزی خود را در همیاری اهالی دهها روستا حول یک خواست مشخص نشان داده است به عینیه وجود دارد. البته اگرچه شکل گیری حرکت های دسته جمعی با ابعاد وسیع در سال گذشته در بین حرکات اعتراضی عمومیت نداشت لیکن بنابر دستاوردهای اینگونه حرکات چه در زمینه وست دامنه عمل مبارزاتی و بسیج روستاهای چه در کسب نتایج مثبت، وقوع یک چنین مواردی از برجسته ترین نکات در مبارزات کارگران و رزمندگان طی سال ۶۴ به شمار میرود.

علاقه سرکوب	تسلیم اجباری	سرمباردگی	جنگ ارتعایی	علاقه
شهر	۱۲	۱۴	۶	۱۸
روستا	۹	۳۶	-	۲
شهر	۴	-	۱	۴
شهر	۲۴	۱۸	۲۱	۷
روستا	۱۶	۳۹	۳۵	۲
شهر	۴	۱	۳	۴
شهر	۱۸	۱۱	۴	-
روستا	۲۵	۱۳	۹	-
شهر	۱	-	-	-
شهر	۲۴	۵	۴	-
روستا	۲۵	۵	۱	-
شهر	۴	-	۱	-

این جدول بیانگر میزان حرکات انجام گرفته در طول سال گذشته است و بدلیل نارساییهایی که در اخبار وجود داشته بیان مدد در حرکات انجام شده نیست.

نگاهی به مبارزات

حال بهیم اشکال مفاد اعتراضی
نوده ها در مقابل رژیم چکیده بود ، در
مجموع ، حرکات اعتراضی کارگران و
زحمتکشان از اشکال منوعی برخوردار بود .
اعتراضات دسته جمعی شده ها در برابر
مردوران رژیم که بطور جامعی سبزه برای
نوده ها کاربرد داشت در مبارزات زحمتکشان
کردستان طی یکسال گذشته دارای ویژگی
خاصی بود .

این مبارزات که به لحاظ کیفی نیز
متکاملتر از ابراز مخالفت ساده سا
رژیم بطور متفاوتی مسؤولی ، سی -
تفاوتی در مقابل فراخوانهای رژیم ،
عدم شرکت در مراسم رسمی و تحریم
انتخابات فرمایشی است ، شکل جمعی
مردان و زنان ، نظارات را به پیشانی ،
طرح شمار و ابراز مخالفت آشکار سا
سیاسی رژیم نمود داشت .

در مواردی این شکل اعتراض در همان
حد با اغلب جنبشهای مزدوران رژیم بهایان
رسید و در موارد دیگر این اعتراض داشته
بیشتری یافت به زد و خورد خشونت بار
با مزدوران ، هلاکت عده ای از آنان ،
تسخیر مقر و حتی خلع سلاح آنان نیز منجر
گشت . در این سری حرکات زنان دارای
نقش مهمی بودند . در چندین مورد زنان
روستاها با سنگ و چوب مزدوران را مورد
تعرض قرار دادند . خودروی آنان را خرد
کردند ، با ایجاد مزاحم در مسیر جاده در
رفت و آمد مزدوران اختلال نمودند و سا
شهری سی نظیر همدون را سردان ،
مردوران را در بهشت سرد منافذشان ناکام
گذازیدند .

در حقیقت این نوع حرکات
اعتراضی در اتحاد و یکپارچگی اهالی
منطقه " بهریلی سارال " مندرج تسلیم
یافت : در آذرماه یکی از سرجه تریس
اعتراضات شده های در منطقه " بهریلی -
سارال " علیه سیاست کوچ اجباری رژیم
رج داد . بعد از فشارهای زیاد ، مزدوران ،
چهار روستای " نوال " ، " بهریلی -
" رسمی " ، " بهوارگرم " ، " تنگاخ " -
را مورد یورش قرار دادند و نوده ها را

و ادار به کوچ اجباری سپايد . اهالی
زحمتکشان روستاها سرانجام
در اثر اتحاد و همبستگی خود و
جاسازی حمایت اهالی روستاها
محاور متحد رژیم را به عقب نشینی
واداشتند . آنچه در این حرکت اعتراضی
سحر درخشانی سرچشمگی یافت ، همانا
اتحاد و یکپارچگی اهالی در مقابل رژیم
و پافشاری مصممانه روی یک خواست در
مقابل رژیم بود .

تعرض انقلابی اهالی روستای
" گل تپه " در منطقه دیواندره علیه
مزدوران رژیم و خلع سلاح پایگاه این
روستا قدرت نیروی متحد شده ها را به
نمایش گذاشت . این حرکت در اعتراض
به دستگیری ۱۱ تن از اهالی روستا جهت
اعزام به جبهه ها صورت گرفت . مزدوران
رژیم با گسترش دامنه اعتراضی نوده ها
به جاسازی آنان آتش کشیدند ، لیکن این
اقدام زیبنده تاشیری در روحیه اعتراضی
نوده ها نداشت . اهالی از زن و مرد و پیر
و جوان به طرف پایگاه مزدوران حرکت
کردند و خواستار آزادی دستگیرشدگان
گشتند . مزدوران از آزاد کردن افراد
دستگیر شده خودداری نموده با تیراندازی
یک نفر را مجروح ساختند . اهالی بویژه
زنان در حالیکه سراپای وجودشان را خشم
نرا گرفته بود به پایگاه حمله کرده و با
گذشتی از بیم خاردار و زد و خورد سا
مزدوران موفق به آزاد کردن دستگیر -
شدگان میگردد !

در موارد دیگر ، نوده ها برای ابراز
نفرت و استیلا خود دامنه اعتراضات
دسته جمعی را به ارگانهای دولتی نظیر
فرمانداری و شهرداری ، ادارات دولتی
نظیر سازمان آب و جنگلی و ارگانهای
نظامی نظیر سپاه پاسداران و پایگاههای
مستقر در روستاها کشانیدند و در برابر
این ارگانها تجمع و تظاهرات نمودند .
در برخی حرکات اعتراضی که به شکل
رودروشی بواسطه و مستقیم با ارگانهای
حاکمیت صورت گرفت نوده ها در حمایتهای
عملی خود از یکدیگر و ابراز همبستگی ،
اشات کردند که زحمتکشان کردستان بعد
از این همه سرکوب و گشتار متناوب سا
شوان و بتانسیل مبارزاتی خود کماکان
قابلیت فراروشی از اشکال ساده به

اشکال غالب مبارزه را در خود حفظ
کرده اند .
اعتراض اهالی روستای " شمشکان " -

در اواخر فروردین ماه ۶۴ علیه به توپ
و خمپاره بسته شدن روستا توسط رژیم ،
اهالی با ۱۱ تراکتور بطرف شهر ارومیه
حرکت کرده و با وجود ممانعت مزدوران
و تیراندازی آنها عقب نشینی نکرده و خود
را به ارگانهای رژیم رسانده و ابراز
مخالفت با رژیم میکنند .

اعتراض دسته جمعی اهالی روستای
" سیف تاله " در منطقه سقز به خمپاره باران
و شلیک توپ بموی روستایشان و تجمع آنان
در برابر پایگاه مستقر در روستا که این
حرکت با همبستگی اهالی کل منطقه روبرو
شد و اهالی منطقه با آمدن به این روستا
اتحاد خود را با زحمتکشان روستای
" سیف تاله " به نمایش گذاشتند .

اعتراض دسته جمعی تعدادی از اهالی
منطقه " هوه تو " ، " تله کو " و چندین
روستا در آذرماه علیه گشتاریکی از
زنان اهل روستای " قوچاخ " در منطقه
دیواندره ، که صدها تن از اهالی این
روستاها با تجمع سه روزه شان در شهر
مریوان این عمل فاشیستی را محکوم
کردند . هر کدام گوشه ای از جلوه های
نیروی همبسته شده های خلق کرد است که
هزار چندگاه با جوشی و فتنه پذیری
از متن مبارزات شده ای بروز عینی یافته
است .

سال گذشته ، در کردستان سال پر -
اهمیتی در بروز شکل گیری حرکات
اعتراضی و تداوم جنبش انقلابی خلق کرد
بود . اما در سال قبل علیرغم پایداری
و از خود گذشتگی نوده های انقلابی و
موفقیت هایی که نوده های خلق کرد در
حرکات مشخص در مقابل رژیم کسب
نمودند ، نقاط ضعف درونی جنبش
انقلابی خلق کرد در عرصه های گوناگون
تأثیرات خود را نشان داد .

مبارزات نوده ای پراکنده بدون
سازمان هر کدام آغاز و پایان یافت .
کارگران و زحمتکشان که ستونهای اصلی
جنبش انقلابی دمکراتیک ، خلق کرد را
تشکیل میدهند همچنان خود بخودی به
تاکتیکهای مبارزاتی دست یازیده و در

اپوزیسیون ضد انقلاب و...

"مخبر قابل توجهی از سروی بینمگ" در اثر همین "سازمانی درست" بطور - - - - -
سلحشاه روسری دیگر بسمرگان خلق کرد برار میگردد!

سرهکسی روشی است که تلاشهای "کردستان" برای طرح سیاستهای غیر- اصولی حزب و برای آنکه اسبهای را "درست" معرفی کند و راه خود را "درستی" بخواند، می نماید. اما چرا که منابع زبان ساز و ملوس این سیاستها که از اساس نامانع بوده ها میباشند، آنچنان آشکار و عیان است، که همه این حمله - بردازیهای "کردستان" را که می - آن می شوند ظفره رفتن و هری حزب از شکیبایی به مرور با غشی و غشی این مرحله از مبارزات و جنگکنان خلق کرد را نوحه کند، می شمر میازد.

حالت بر آنکه "کردستان" حزب دیگران، با همه این احوال میخواهد "دشمن" را هم "بدراسو" درآورد. ما پیش از این دیدیم که چگونه حزب دیگران عملاً با داده سیاستهای نادرست و غیر- اصولی خود موجب تضعیف خلق کرد شوند و بطور به رژیم جمهوری اسلامی، این "دشمن" کارگران و زحمتکشان ایران در سرکوب شده ها میدان میدهد. حال نسیم که حزب دیگران چگونه میخواهد "دشمن" را "بدراسو" درآورد. "کردستان" می گوید: "براحام دشمنی راهبرداره سرومند مانند به زانو در خواهم آورد". حال این "دشمن" کیست و چیست و در کجاست؟ چه حوصمانی دارد و ما چه او چیست؟ و چگونه باید با او مبارزه کرد؟ در حزب دیگران مربوط نیست. حزب دیگران فقط می تواند به "مهم کوشی" "دشمن" را بصورتی شکیبایی و پیچیده شده در خانه های ایرانی و با تمام محرم و تنبیر کند. ما هر لحظه خواهیم شنوید او را به شکل مورد دلخواه خود شما باید، رسد هم از "بدراسو" درآوردن آن محبت شما آورد! اما این "بدراسو" درآوردن چه میما و بهیچین دردگاه دیگری حزب دیگران دارد؟ معلوم نیست.

برای این منظور حزب دیگران از "دشمن" چیست؟ آیا این "دشمن" حسی است؟ گویند که "پولیس" است! آیا دشمن مورد نظر حزب دیگران ناسری در

کسانه خواهان اصلاحات سوز و آشی، خاجانی میزها، حفظ ماشین سوز و کراسک نظامی و نظام مستی بر سر یکی مردوری هستند، و آنانکه خواستار تحولات انقلابی بوده و به درهم شکستن ماشین دولتی و نابودی نظام سرمایه داری اعتقاد دارند، نه تنها دو درک متفاوت، بلکه دو درک متضاد و مقابل هم وجود داشته باشند. این، برنامه و عملکردهای مشخص حزب دیگران است که به واژه های کلی و مبهم او حزب و عصب می بخند و چنین است که ذکر کلیات مبهم، هیچ دردی را از او دوا نخواهد کرد. ما در ادامه میسی خواهیم کرد، حد و مرز میان دوست و "دشمن" مورد نظر حزب دیگران را شفافتر کنیم و به مبهم کوشیهای مرسوم او دراجت بختیم.

"کردستان"، ارگان کمیته مرکزی حزب دیگران، در انتهای مقاله یاد شده رسید از آنکه گویا تمامی مسائل جنبش خلق کرد را حل و فصل کرده و پاسخ های درخور و مناسبی برای مضافات، "موانع" و "دشواریها" می موجود یافته است و دیگر هیچگونه مشکلی هم "باقی" نگذاشته است می نویسد:

"مسئله ای که باقی میماند اینست که در رابطه با نیروهای میهن پرست اپوزیسیون راه درست و موثری را برای همکاری و اشتراک مبارزاتی علیه دشمن پیدا نمائیم."

حزب دیگران که تمامی مشکلات جنبش انقلابی خلق کرد را بر طرف ساخته است، در من آنکه دستهای خود را برهم می باید، اما هنوز از یک کار انجام نشده نگران است. پیدا کردن راهی برای "همکاری" با "نیروهای میهن پرست اپوزیسیون"! "کردستان" با طرح این تنها "مسئله ای که باقی" مانده است، وحل آن را بر دوش کمیته مرکزی حزب دیگران قرار داده است، در واقع همشست گشته مرکزی اش را با میگذرد، و هم آنکه جنم انداز مورد نظر حزب دیگران را از محب دوست و "دشمن" انقلاب می کشاید! حزب دیگران مجدداً در مدد جلب "همکاری" "نیروهای میهن پرست" اپوزیسیون "است، تا با آنها به اشتغال بنشیند، و در اتحاد با این دوستان "میهن پرست" علیه "دشمن" مبارزه کند، و لابد او را "بدراسو" هم درآورد! پس در واقع از این طریق و با جلب همکاری چنین نیرو

در رو خاکم است! اما جمهوری اسلامی میای رنجانی و مثال او است! کند در مذاکرات سیاسی و نه در انگریز و معاری لافل جری درج خود کرد! را در حزب داده است! اما چنانچه مانع محدود و ننگ بخواند حزب دیگران در رو نیست! های مبارک کارانه و معانات ظلمت خود، دست با منی شود، در یک طریقه ایس جای "دشمن" با دوست عمو خواهد شد؟

ما در ادامه روس خواهیم کرد که کاربرد این کلیات و عبارات کلی وی - ما به از سوی حزب دیگران بدون آنکه مشخص کرده باشد دشمن کیست و چگونه باید با او مقابله پرداخت، به معادسی اسود از روی فراموشی، بلکه دشمنی ناشی از دستگاه عمومی حزب دیگران و سر منای ناحب طغیانی این جریان است. دیدگاهی که، اما چرا اسرار مخکونه شمیرانی در با حار اتحادی و مناسب احتیاجی نیست، حزب دیگران، بر پایه مصالح خود به هرگونه کلی تانی، دست میرسد تا اختلافات خود بر ماسه و محدود خود را بر آورده دارد، مگر او با رهبا و بارها "دمکراسی" را فریاد میگوید است و مگر شمار "دمکراسی" همواره آذین - بحث شریات این حزب بوده است؟ ولی آیا کسی حتی بکار نشده و یاد شده است که حزب دیگران هر درکی کلی و مبهم از این واژه ارائه دهد؟ او همواره تلاش کرده است با درپس دمکراسی "تاب" خرد، ناحب طغیانی چنین مفهومی را پیوسته دارد، و از این رو همیشه از افشای چهره واقعی این نوع "دمکراسی" که چیزی جز دمکراسی سوز و آشی نیست، سرافشته نیز شده است. اگر کاربرد چنین کلیات و اصطلاحاتی، عبارت دیگر "استفاده از آنها در سیاست به عادی ترین پدیده ها تبدیل شده است، هنگامیکه حزب دیگران از "دمکراسی" سخن میمان می آورد آزادی خواهی کنی و کارش را مثالهم در اذهان زده میبرد! علامه آنکه حزب دیگران همانطور که در بنار دمکراسی خالص است، از "دشمن" بطور کلی هم محبت میمان می آورد، محبت از دشمن بطور کلی، همان قدر میباید و بریا کارانه است که "دمکراسی" باب و بی هویت او، کا ذبانه و خمیخ آمز.

و اما واقعیت آنست که دمکراسی، دشمن و با هر واژه دیگری در جامه طغیانی میا هم حاش خود را دارد، و بسبب طبعی است که چنین واژه ها می

اپوزیسیون ضد انقلاب

مهاشات حزب دمکرات

فدائی است که حزب دمکرات، جبهه بخشی از دستان خود را متخلف میکند. نیروهای میهن پرست اپوزیسیون !

ما دورنگای کدال شماره ۲۷، منظور حزب دمکرات را از نیروهای میهن پرست که امروز رهبری حزب دست کمک و همکاری به سوی آنان دراز نموده است و میسر است در انتظار تجدید اتحاد با آنهاست. روشن با چشم، ما همچون سراسر ملت به وضوح می بینیم که فتنه حزب دمکرات و مهاجرت دسرها آن را محله "القوم الناح" انگار می بینیم که حتی بسیاری همچون بحار، جابجایی ملت طلب می کنند. در زمره مهاجران نیروهای میهن پرست مورد نظر حزب دمکرات اند. در ترمیم سیاستهای نادرست حزب دمکرات و تاملات کمرس او از اتحاد انقلابی، انقلابی، حسن است که امروز، بسیاری میسر و نتایج شده ای همچون بحار و اپوزیسیون های ریکارک سورزوایی و کارگران امپریالسم - اس دستان هم مورد کارگران و رستمندان ایران دستان حزب دمکرات شمار آید. و اما سیاست امروز حزب دمکرات، در ادامه سیاستهای احراری پیشین است. همکاری او با نیروهای "میهن پرست" و زدودن "اپوزیسیون" به انقلابی، به امر جدیدی است و به انتقادی. حزب دمکرات همانطور که عملکردهای او تاکنون نشان داده است، همواره به جسی نیروهای و جیبی اپوزیسیون جیب داشته است. و تا سیر گفته خود او، "مدتهاست که در این ساره تلاش میکند" نه چیزی که جدید است. این است که حزب دمکرات تصمیم گرفته است سال آینده روابط و همکاریهای خود را با این نیروها را از این نمک بشود و تلافی ادا ندارد و در پیوند با آنها به نمر برآید.

اندکی تامل و توجه بر مصوبات چگونه ملاقاتهای مداوم حزب، روشی مبارک که حزب دمکرات خواهان هیچگونه تحمیل انقلابی به سراسر احوال و احوال ادا می کند و دست موجود است. حزب دمکرات، کماکان چشم به طیف سورزوایی دارد و در حد همان وعده ها و ترمیمی های که داده می شود، مابقی خود را تا پس با فتنه می بیند و همان "خودگردانی" انقلابی سورزوایی انباشت می کند. چرا که او حتی در طرح شعارهای خود

با یکبار، زمانی به "نیروی ملی میاوم" دل می بندد، "دمکراسی" این "نورا" که جبری در سوروکراتیسم سورزوایی است، بطرات و اهداف حزب دمکرات را تا میس کند، برنامه سورزوایی لبرالی آمرادریسته خودمحوری می پذیرد، و زمان دیگری که از موفقیت این "نورا" میس می شود، در پی همان اهداف، اما در جای دیگر، در داخل جناح - های درون رژیم و اپوزیسیون فتنه - انقلابی سرون آن به محور میخیزد. از همس رو، و در ادامه همس جنبو، امروز حشار و میس پرستان دیگری از میس او، دوست حزب دمکرات از آب در می آید که می بایستی در سال آتی به اتفاق و دوستی با آنها، "دشمن" را به راه در آورد !

و اما رهبری حزب دمکرات در این حد هم میس نمی کند، او بارها از این هم فترا تر گذاشته، سده های را که اکنون دیگر در سطح جشن کاملاً گفته شده است مجدداً باز میکند و به تکرار حرفهای منسوخ حزب رهبری و خواش شده می بردارد و سر است تا مطلق رستمندان کیکه همس خود، همس ثلاثی در جهت "تحکم و تواضع" دوستانه و گسترش همکاری با نیروهای میهن پرست، "جبهه دمکراتیک" - امپریالیستی" مورد نظر خود را، با همان "نیروهای میهن پرست" تشکیل دهد، و سال ۶۵ راه سال پایان نعره و پراکنندگی اپوزیسیون ایران تبدیل کند.

حزب دمکرات که در بارش با سورزوایی و شیوه های مهاشات طلبانه سراسر نمی تواند، حقیقتاً برای نزدیک شدن و اختلاف با آنان سه شام گذاشته است. این حزب که در حشار و شد و سستی مبارزه طبقاتی به حرف و شعار، واقعی خود را احوال یافت، بر آن اساس اساسی است که برای خود میس و معنی نمک می دهد، اپوزیسیون سورزوایی را احداث خود کند و سراسی خود در این اپوزیسیون ادغام شود. این واقعیتی است که لبرالی حزب - دمکرات که هیچگونه اورا به نکات و ایداعات تا "میسن پرستان" و جریانات سورزوایی را در یک "جبهه" متشکل نموده و آنرا همچون بدیل حاکمیت ملی علم کند !، می گمانند که مورد ستایش و استقبال کلیت سورزوایی قرار خواهد گرفت، بلکه مطلوب همه رستمندان "واقع بین" سیر خواهد بود.

سورزوایی اما، همیشه دشمن کارگران و رستمندان است چه در حاکمیت باشد و چه در سرون و سادراپوزیسیون. نظام سورزوایی برای کارگران و دهقانان هر ستم و سدی ستم دیگری نداشته است. مادام که قدرت دولتی در دست سورزوایی است، مادام که مناسبات سرمایه داری بر جامعه حاکم است و مادام که دولت به میانه ارکان سادات این طبقه به حفظ و نای این نظام مشغول است، اکثریت زوده های مردم به فقر و فلاکت هر چه سستری سوز داده می شود و کارگران و رستمندان همچنان در معرض خشن ترین شیوه های استثمار و سرکوب قرار می گیرند. در آلتراستو سورزوایی مورد دلخواه حزب دمکرات، خلق مبارز کرد و دهقانان رستمندان، باز هم با همان ستم مضاعف و فقر و سدی رژیم جمهوری اسلامی، اما ساد با رنگ و لعاب دیگری، رو برو خواهند بود.

و اما نکته ای که باید بدان توجه کافی داشت، و عموم زوده ها، خصوصاً نیروهای خود حزب دمکرات می بایستی با حشاری با آن عمیقاً توجه داشته باشند همانا تکرار حرفهای حزب خائن زوده، از زبان حزب دمکرات است، "جبهه دمکراتیک" ضد امپریالیستی" همان شعار گفته شده است که پیش از این حزب زوده به طرح آن پرداخته است و اتفاقاً با بیانی که امروز حزب دمکرات از مضمون این "جبهه" بدست داده است، نه تنها در برگیرنده امثال بختیار و دیگر "نیروهای میهن پرست" و "اپوزیسیون" چون او است، بلکه حزب زوده و امثال او نیز در دل آن جاس می گیرند.

و اما این شباهت گفتار و بیگانه سازی سراسر، سشار پیشی ماهیت سیاستها سارکارانه و فرمستی حزب دمکرات را بر ملا می کند، چرا که رستمندان، از آنج که حفظ نظام بوروکراتیک - نظامی و درهم کشی فتنی آنرا در نظر دارند ضرورتاً به شعار واحدی سیر می رسند. این تیره کور سستی حفظ نظام موجود، حفظ مایش دولتی همان نقطه ای است که بیوان محور اتخاذ سیاستهای حزب دمکرات می بایستی مورد توجه واقع شود. وقتی که حزب دمکرات اساس - سیاستهای خود را بر این مبنا قرار می دهد، و ماهیتا نمی تواند جز این کند - آنگاه درک سیاستها و عملکردهای او و بطور کلی

بمناسبت فرارسیدن اول ماه مه

شعری

یه کی نه یار

شده زالم دنیا به بیج و دوره
له ره وینه شه سوینده کهوره

سویندم به بهکدم جه نه گدی شه یسار
سویندم به هیززی چینی کریکار

سویندم به چرخ و لوجی ناوچا ووم
به دهشتی نعل شوم ، لاقسی سووارم
سویندم به دیاکده کی کوتک شهوه شینی
سویندم به یخته کی کول شهوه شینی
به گاس به داس به ناسی به قور
به پنه کی کون به چوغه لای شر
سویندم به رهنگی رهردی بی نانشان
سویندم به نوتری شهوله کولانشان
به شورش کی نوکتری مهون
پاله واناسی به رگیلر ناسه زن
به شورشگران کوریسا ووبه چین
به رهردی رهنگی نواناسی ویتمین
هیج نایات وکاشی دهس ههل ناگریمن
پاله نه گدی وکاشی یسا یزی به مریمین
بهرم نه گریمن له ره گوری زور داران
دیشا نه گریمن به جیزنی هله زاران
لاقوای میزو به گور و تپاوه
بهی و به رهردی شه خاتمه لایه .

له هو راهردی کی کریکاره
به چه کار شهرد بهکی شه باره
به ره رهردی سو به رهردی و دور
کووی هله گدی نالاشکی سور

ناگری سی کوکلی له ره ناس
ره رهردی هووی و داسی کی ده میان

له دهوردی شالی سرودی جیزن

به شاهکی به رهردی گرا سیزن
شه به رهردی دار بهی باره دور

بهی له شه دل رهت ، رگ رلی حویی حور
شه هل شه و دل نه سوکی خویری
بهان ناکسی سویری به رگومای رهردی



ناکی ناکه کی ده کوزی ده سوری
شه به بهاره ده رهردی ده گری ؟
چون به شه و روز شارق سیزم
نهت نامی چهوری و غریبی به جیزم ؟
چون گدیمن چس به نه گدیمن ناسی

چه دیهک شهده به رهردی ناسی ؟
به گکاری به نه گدی شه رهردی رات
که جی جی به ده ده حوم بهی ناس ؟
به رهردی به رهردی به رهردی جیزم
شهوه به نه گدی شه رهردی به رهردی به رهردی
ناکی دارنشاس به به رهردی و کورسی
به رهردی و حوشوم به به رهردی و به رهردی
ناکی به رهردی به رهردی به رهردی
ناکی به رهردی به رهردی به رهردی
شه ده به شارق حومت به رهردی به رهردی
به به حومت به کی حومت به رهردی به رهردی



اخبار جنبش نودهای



همچنین چندی پیش، مزدوران رژیم در روستای "قهله‌رشته" بازاری برداشت، با استفاده از عمال مزدور خود و یک طبرج رهاکارانه، جوانان روستائی را در مسجد گرد آورده و با گرفتن کارت شناسائی‌شان از آنان می‌خواستند که به سربازی اجباری بروند. اما جوانان مذکور، با این خواست ارتجاعی شدیداً مخالفت کرده و به آن تن نمی‌دهند. جوانان مذکور، برای آنکه از چنگ مزدوران رهاشی یافته به سربازی نروند، روستای خود را ترک کرده و به روستاهای اطراف پناه برده‌اند.

مزدوران رژیم، همچنین روستاهای این منطقه را جهت تسلیح اجباری جوانان تهدید تحت فشار و مورد هجوم خود قرار داده‌اند. آنان پس تلاشهای مدسوحانه و سادجویی از عناصر خاش و خودپروخته و همکاری عمال سربرده خود، سعی کرده‌اند، تا به سیاستهای ارتجاعی رژیم جامه عمل ببوشانند.

- بسیاری از روستاهای مهاباد نیز بمنظور سربازگیری اجباری مورد هجوم و حمله مزدوران قرار گرفت. در همین

مربازگیری و تسلیح اجباری

و

سردشت

رژیم جمهوری استیسی مارخم برای ایجاد سیاست ارتجاعی سربازگیری اجباری خود امده است. اخبار اخیر سردشت و روستاهای حومه "دوگوران" و سخن آلا به همین منظور و بهاء مورد هجوم مزدوران قرار گرفته است. سرکوبگران می‌نشدند فشارهای خود بر اهالی این منطقه، رهاکارانه اعلام نموده‌اند که، سربازان می‌توانند در روستاهای خود خدمت کنند تا در واقع از این طریق سیاست سربازگیری اجباری را عملی سازند. مزدوران سرکوبگر، با تهدید و ارعاب مکرر و اعمال سرکوبهای وحشیانه، نتوانسته‌اند در منطقه آلا، تعدادی از عناصر خاش محلی راه همکاری با خود را دارند تا از نیروی آنها در جهت پیشبرد اهداف ارتجاعی خود سودجوید.

را بهنده، رورهای ۱۷ و ۱۹ اسفندماه منطقه "تارویران" مهاباد، مورد تعرض و حمله مزدوران رژیم واقع گردید و تعدادی از جوانان دستگیر و روانه پادگانهای نظامی رژیم شدند.

در روستای "دارالهدک" حمله و حمله مزدوران برای سربازگیری اجباری، با اعتراض یکپارچه اهالی و مقاومت آنان روبرو شد. رحمتکشان روستائی، خودروهایی سرکوبگران را مورد حمله انقلابی خود قرار داده و با شکنش شیشه‌های آن، با خشم و شرفر عمیق علیه رژیم جمهوری اسلامی به شمار دادن پرداختند. اما سرکوبگران، ضمن اعمال خشونت و سرکوب نسبت به اهالی این منطقه و سرانجام با زور اسلحه، نتوانستند بیست و چهار نفر از جوانان روستای "دارالهدک" را دستگیر و روانه مراکز سرکوب خود نمایند.

- بیش از چهل نفر از جوانان روستای "ایندرقاش" نیز دستگیر و روانه مراکز نظامی رژیم شدند.

بانه

منطقه بانه نیز بمنظور سربازگیری اجباری، اخیراً از سوی مزدوران رژیم مورد هجوم قرار گرفته است. سرکوبگران با حملات وسیع به بسیاری از روستاهای این منطقه و اعمال زور و فشار، در پی برآوردن سیاستهای ارتجاعی رژیم برآمده‌اند. در همین رابطه، مزدوران پس از هجوم به روستای "بنه‌ژا" ۱۶ نفر از جوانان روستائی را دستگیر و روانه پادگانها و جبهه‌های جنگ ارتجاعی نموده‌اند.

- همچنین به اهالی روستای "دشت-تال" اطلاع شده است و از جوانان خواسته شده است تا با مراجعه و معرفی خود به مراکز نظامی و پادگانها آمادگی خود را برای اعزام به سربازی اعلام دارند.

سقز

رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی، در ادامه سیاستهای سرکوبگرانه خود، در

مهاباد

اخبار جنبش توده‌ای

شهرها و روستاهای مختلف کردستان، پس از پهن شدن فشارهای خود اراکالی منطقه سفر سیر امروده است. بدستال اطلاعات و بخش نامه‌های مختلف در رابطه با سرکوبگری احماری، روستاهای این منطقه نیز مورد هجوم وحشیانه مزدوران فرارگرمت، سرکوبگران با خاشاک و مکرر خود و همچنین با پیگرد و کنترل حوالت در حیات آنها، جاده‌های راهها به دستگیری حوالت پرداخته شده آنان را به حشدهای مرتد و پستی اعزام دارند. مزدوران که برای دست‌یابی به اهداف ارتش‌های خود به هر تهرنگی متوسل می‌شوند، اخیرا بطرح ترسناک راه‌نهارت "سرباز مسلم" به حمله جدیدی دست زده‌اند. و برآند نا اراکین طریق سیاستهای ارتش‌های رژیم را پیش برده.

مریوان

در ادامه سیاستهای جنگ افروزان رژیم ارتش‌های جمهوری اسلامی، اخبار تعداد زیادی از سربازان اقدام به فرار از جبهه‌ها کرده‌اند. اسناد این فرارها آجیان گسترده و وسیع بوده است، که رژیم راست به وخت و نگار اسنادها مانع فرار سربازان کرده. در حشدهای رابطه در حاد‌های مریوان، سوره‌های ربادی را مستقر ساخته و پنهان کنترل جدیدی ایجاد کرده است. همچنین با دایر کردن پست کنترل در دروازه شهر، سر شدت مار و سها و نارنجی‌های خود امروده است. اما شام اسکوه چاره‌اندیشی‌های مزدوران، هیچ سودی برای رژیم دربر نداشته و فرار حوالت از جبهه‌های جنگ ارتش‌های که با روز رفتار سرساری اعزام شده‌اند همچنان ادامه دارد. همچنین روز سیر دم فروردین ماه، یکی از حوالت روستای گله‌خرو را ناسع در شمال کردستان، که مدت دو ماه پیش از سرکاری احماری از سی گذشت، فرار نمود. روز سیر و پنجم فروردین ماه سیر.

سرکوب و حشیانه زحمتکشان

نشانه ترس و ترسویی مردم

در مریوان

جنبش انقلابی خلق کرد است!

بخش سارال سنندج، هنگامیکه به چرای گوسفندان مشغول بود، در اثر انفجار مینی که توسط مزدوران رژیم کار گذاشته شده بود، به شدت زخمی می‌شود. سرکوبگران که خود شاهد و نظاره‌گر زخمی شدن فرد روستایی بودند، او را دستگیر کرده و با بستن چشمهای او و تحت عنوان مداوا، او را به داخل پایگاه منتقل می‌کنند. اهالی روستا پس از اطلاع از واقعه، ضمن اعتراض نسبت به مزدوران، با خشم و تنفر به داخل پایگاه می‌روند و پس از رهاساختن فرد مجروح، او را هرچه سریع‌تر برای مداوا به شهر سنندج منتقل می‌کنند.

سنندج

بدستال توحش یک تن از پاسداران رژیم به یکی از دختران روستای "حسین‌آباد" و ایجاد مزاحمت برای او، اهالی این روستا در تاریخ چهاردهم اسفندماه، طی یک حرکت اعتراضی، طرف پایگاه مزدوران راه‌پیمایی کردند و با اسرار انرجار و تنفر خود نسبت به سرکوبگران، خواستار مجازات پاسدار مزبور شدند. زحمتکشان روستایی، علاوه بر آن همچنین خواستار خروج کلیه مزدوران از روستای خود شدند. - رژیم جمهوری اسلامی، برای کنترل هرچه بیشتر شهر سنندج و روستاهای اطراف آن، اقدام به ایجاد پایگاه و مقرهای جدیدی نموده است تا با امکان دادن سبوحهای سرکوبگر خود در این مراکز و تشدید جو خفتان و سرکوب سیاستهای ارتش‌های خود را در قبال توده‌های زحمتکش به پیش برد.

در همین رابطه، رژیم اخیرا در روستاهای "گله‌خان" و "ته‌ره‌جه" مقرهایی دایر نموده است و بر آنست تا به ایجاد چنین مراکزی در روستاهای "قشلاق"، "سورنازه" و غیره نیز مبادرت ورزد و از این طریق در جهت محدود نمودن و کنترل رفت و آمد اهالی این روستاها و بخصوص پیشمرگان خلق کرده، رشد فشارهای سی - حد و حصر خود نسبت به زحمتکشان روستایی سیراید.

- صبح روز پنجم فروردین ماه، یکی از زحمتکشان روستای "احمدآباد" واقع در

سردشت

جندی قبل مزدوران مستقر در روستای "تک‌وگال" در نزدیکی روستای "درمان‌آوی" منطقه بازار سردشت، یکی از اهالی زحمتکش را در کمال وحشیگری، مورد هدف سلاح خود قرار داده و او را مجروح می‌کنند. - بدستال هرچه عمیق‌تر شدن بحران اقتصادی رژیم جمهوری اسلامی، مزدوران به انحاء مختلف برفشارهای مالی خود بر توده‌ها افزوده‌اند و تحت عناوین مختلف و از جمله تحت عنوان کمک به جبهه‌های جنگ ارتش‌های به اخاذی پرداخته و توده‌های زحمتکش را سرکوب می‌کنند. اخیرا به همیش منظور، در شهر سردشت کمیته‌ای بنام کمیته مرکزی مرکب از تعدادی از سرسپردگان تشکیل داده‌اند و آنان به تبلیغ برله جنگ پرداخته و برای تامین نهادهای مالی آن توده‌ها را تحت فشار قرار داده‌اند.



☆ اخبار جنبش توده‌ای

هه‌وشار

احبار بسیاری از روستاهای منطقه
میراللمی یکی را فشار. مورد حمله و حمله
مردوران رژیم قرار گرفته است. سرکوبگر
ما حمله به این روستاها. تعدادی را احوالی
را دستگیر نموده و با زور و تهدید، به
احادی از آمان برداشته است. در همین
رابطه تاکنون در مناطق فوقیست و دوسر
دستگیر شده و سپس از هر یک مبلغ ۲۰۰۰۰۰ ریال
گرفته شده است.

— روز نهم فروردین ماه، جوان
۱۲ ساله‌ای در اثر انفجار یک مین که توسط
مردوران رژیم کار گذاشته شده بود، جان
مرد را از دست داد.

— احوالی روستای گل به "در محالفت با
سپاهنهای سرکوبگرانه رژیم نهاد دست
به اعتراض زدند و با دادن شمارهای علیه
مردوران رژیم و حکم ارتجاعی سرکوبگر
مرد را به حمایت گذاشتند.

نوسود

چندی پیش شهر نوسود توسط مردوران
رژیم جمهوری اسلامی به محاصره شده شد.
که در اثر آن علاوه بر خسارات مالی وارده
به احوالی شهر، یک نفر احوالی بر اثر
امانت ترکش خمپاره جان خود را از دست
داد.

سقز

مردوران رژیم جمهوری اسلامی،
کمترین فرنی را برای اعمال سپاهنهای
سرکوبگرانه و وحشگری نسبت به مردم
کردستان اردت نموده. در همین رابطه
صبح روز پنجم فروردین ماه سرکوبگران
سفر دره پایگاه "پاشان خان" یکی از

روستایان را به پایگاه و حرم آنکه به
پایگاه مردوران نگاه کرده است، تعداد
کنتکاری میکند. مردوران همین من
تهدید و ارعاب احوالی، یکی دیگر از
رحمتکشان این روستا را مورد ضرب و شتم
قرار دادند.

در ادامه همین ساستهای سرکوبگرانه
مردوران از احوالی روستای "می یک" در
بخش سرشیز سفر میخواست تا خود را به
پایگاه رژیم واقع در روستای "پائین -
جان" معرفی نمایند. جمعی از احوالی که
به طرف پایگاه به حرکت درمیآیند،
سیرحماه از جانب مردوران مورد سرکوب
و حمله قرار میگیرند. مردوران ۵ نفر
از آمان را دستگیر نموده و با چشمان بسته
به درون پایگاه می برند و پس از ضرب
و شتم و شکنجه سرانجام رهایشان میکنند.
همچنین چندی قبل، تعدادی از احوالی
روستاهای "تایر"، "بورده مه" و "سیف"
که به کوچ اجباری وادار شده بودند،
پس از آنکه چندین بار خواستار
برگشت به روستای خود و جبران
خسارات وارده به آن شده بودند
بالاخره توانستند مردوران را به عقب -
نبشی وادارند و به روستاهای خود مراجعت
کنند. اما مردوران، تلخیر غم این عقب نشینی
نقطه با سرکشی مردان روستایی موافقت
کرده و از بازگشت ران و کودکان همچنان
مسامت بعمل آورده اند. لازم به تذکرات
که روستاهای فوقی، سال پیش توسط
مردوران سرکوبگر به آتش کشیده شد و احوالی
آن مجبور به ترک خانه های خود شدند.

مهاباد

چندی پیش دو نفر از مردوران مسلح
رژیم وارد خانه ای میشوند و تحت عنوان
پیشمرکه، طلب پول میکنند. ساکنین خانه
که به مامیت آند و بی برده بودند، از
دادن هرگونه پولی امتناع میکنند، اما
مردوران با ارعاب و تهدید و اعمال
وحشگری و سرانجام با شیراندازی نمودن
سروری یک مرد وزن و مجروح نمودن آنان،
به تفتیش و خانه گردی پرداخته و مبلغ
هفتاد و پنج هزار تومان به سرقت میبرند.
همچنین صبح روز سیزدهم فروردین
ماه با امداران مردور، با اتفاق شنی چند
از جاشهای خود فروش، روستای "بارآوا"

در منطقه گورگ ۲ مهاباد را مورد حمله
و حمله خود قرار دادند. سرکوبگران
جانبت پیشه، ابتدا با گشودن آتش سلاح -
های خود بر روی روستا و کسب اطمینان خاطر
نسبت به عدم حضور پیشمرگان، به داخل
روستا حمله ور شدند و به سرکوب احوالی
پرداختند. مردوران رژیم، ضمن ضرب و
شتم احوالی، به تفتیش و خانه گردی دست
زدند و از غارت اموال ناچیز زحمتکشان
و حتی لباس و کفش و امثالهم نیز دریغ
نکردند.

چند خبر از:

جنگ ارتجاعی ایران و عراق

سردشت

ظهر روز شانزدهم، هفت ماه، منطقه
آلان سردشت برای دومین بار در عرض یک
هفته مورد حمله توپخانه عراق قرار
گرفت. در اثر این توپ باران بسیاری از
روستاهای منطقه آسیب دید. از جمله به
روستای "شهر زنه" واقع در این منطقه،
خسارات فراوانی وارد آمد و یک زن
روستایی جان خود را از دست داد.

بانه

در اولین روزهای سال جدید، شهر
بانه برای چندمین بار مورد حمله و حمله
هواپیماهای عراقی قرار گرفت و تعداد
دیگری کشته و زخمی برجای گذاشت. بعد -
از ظهر روز پنجم فروردین ماه، روستاهای
"گلان"، "اشترآباد"، "ساردا و سورا" مورد
حمله هواپیماهای عراقی قرار گرفت و به
شدت بمباران شد. در اثر این بمبارانها
بازدهن از مردم سیدفاع این روستاها

از اهالی جان باخته و قربانی جنگ ارتجاعی شدند ۲۳ نفر دیگر از اهالی به شدت زخمی گشتند. هم‌اکنون بسیاری از اهالی بیدفاع شهرپاوه، برای حفظ جان خود و از بیم بمبارانهای مجدد، خانه‌های خود را ترک کرده و به خیل آوارگان پیوسته‌اند.

بمبارانها، بسیاری از مناطق مسکونی و حیوانات، ارجله خیابان مولوی، میدان زاندارمیری، اداره آموزش و پرورش، محور سردشت خانقاه، خانه‌های مسکونی سازمانی و غیره، شدت آسیب دید و اهالی خسارات فراوانی وارد آمد. همچنین در اثر این بمبارانها، دست کم هشت نفر



اخبار جنبش توده‌ای

جان خود را از دست داده و ۱۲ نفر سیر معرجه شدند.

نهم فروردین ماه سبز، خراسان و روستاهای اطراف آن بمباران شد و خسارات مالی و جانی فراوانی به اهالی روستاها وارد گردید. در روستای "سورا" یک نفر جان خود را از دست داد و ۷ نفر دیگر به شدت زخمی شدند. زخمی‌گان روستایی که نسبت به حضور مزدوران رژیم در روستای خود اعتراض داشته و از آنان متنفر بودند علیه آنها دست به اعتراض زدند و شعارهای خود را نسبت به رژیم و جنگ ارتجاعی نشان دادند.

همچنین روز هشتم فروردین ماه، مکران شهر سبز و روستاهای اطراف آن مورد بمباران هواپیماهای عراقی قرار گرفت و تلفات و مایعات خسارتناپذیری بر جای گذاشت. در اثر این بمبارانها خسارات مالی و جانی فراوانی وارد آمد. در روستای "کاسی سو" در شرق حاده "تلکه" جان خود را از دست داد و تعداد زیادی نیز زخمی شدند. به سیر از زخمی‌گان نیز بهدا جان خود را از دست دادند.

روز نهم فروردین ماه نیز بمبارانهای هوایی ارسرگشته شد و بسیاری محرابها و خانه‌های عراقی بر سر اهالی سداف منطقه فرو ریخت. در اثر این بمبارانها، سست بمبارانهای روستای "کاسی سو" جان خود را از دست داده و خسارات مالی و جانی بسیاری به اهالی این روستا وارد آمد. بمباران روستای "تلکه" واقع در این منطقه سربک‌ن گشته و یک نفر معرجه بر جای گذاشت. همچنین در اثر این بمبارانهای بی درپسی روستاهای "نهری و"، "تلکه"، "کاسی سو"، "نهری و" و "نهری و" آسیب فراوانی بخود دیدند.

پاوه

روز چهارم فروردین ماه، شهر پاوه سیر دوار هدف جکته بمبارانهای عراقی قرار گرفت. طی این

چند خبر از شهرهای کردستان

مهاباد

رژیم جمهوری اسلامی، برای تامین نیازهای مالی خود، هر روز فشارهای بیشتری را بر روستاهای زخمی‌گان تحمیل میکند. مرتجعین جمهوری اسلامی که با افزایش مالیهاتهای مستقیم و غیرمستقیم که فشار اعلی آن بردوش روستاهای زخمی‌گان قرار دارد، در نجات خود از بحران مزمن اقتصادی ویا تعدیل آن موفقیتی نداشته‌اند، از فرط افلاس و ورشکستگی، آشکارا به اخاذی از روستاهای می پردازد، تا شاید چند مباحی بیشتر بتوانند از دسترنج مردم زخمی‌گان به سیاستهای ارتجاعی خود ادامه دهد.

در همین رابطه، روز پانزدهم اسفندماه، فرماندار شهر مهاباد، کلیه ناوابان این شهر را به فرمانداری احضار میکند و خطاب به آنان اعلام میدارد که بایستی مبلغ دو میلیون تومان توسط اتحادیه ناوابان به حساب رژیم واریز نمایند. ناوابان ابتدا در مقابل این خواست ارتجاعی و مستغرانه، دست به اعتراض میزنند و با مقاومت خود از پرداخت هرگونه پولی امتناع می‌ورزند. اما فرماندار مزدور، به کمک ارگانهای سرکوب رژیم، قمن تهدید و اوعصاب ناوابان، از طریق اتحادیه موفق به اخذ مبلغ فوق میگردد. گفته میشود که این سیاست رژیم در مورد دیگر اصناف نیز بکار گرفته شده است.

در ادامه سیاستهای سرکوبگرانه و خونت‌بار رژیم علیه اقشاری از زخمی‌گان شهر مهاباد از قبیل دستفروشان، دکهداران و زخمی‌گان دیگری که تنها وسیله کار آنها یک چرخ دستی است و از طریق کار با آن ارتزاق میکنند، در تاریخ

هفدهم فروردین ماه محله "مرداشست" مهاباد که یکی از اماکن تجمع این اقشار مستعبد است مورد هجوم و حمله مزدوران رژیم قرار گرفت. سرکوبگران با اعمال خشونت و وحشیگری، بسیاری از اموال و وسائل آنان را تخریب کرده و به آتش کشیدند و مابقی را به بیرون شهر انتقال دادند. زخمی‌گان، در مقابل این حرکت مزدوران دست به مقاومت زده و ضمن اعتراض با آنان درگیر شدند. آنان ابتدا با تشکیل تجمعات چند نفره، در تدارک یک اعتراض دسته‌جمعی برآمدند. مزدوران در هر اس از حرکت اعتراضی زخمی‌گان، عقب‌نشینی کرده و طی یک اطلاعیه که از رادیو و تلویزیون پخش شد، خطاب به این زخمی‌گان مطرح کردند که، آنان میتوانند به کار خود ادامه دهند و مامانتهی برای آنان در میان نیست. اما زخمی‌گان بدون توجه به این اطلاعیه، روز نوزدهم فروردین ماه با یک حرکت متحد و دسته‌جمعی در مقابل شهرداری، علیه سیاستهای سرکوبگرانه رژیم دست به اعتراض زدند. لازم به یادآوری است که در جریان حمله مزدوران به این زخمی‌گان تعدادی از آنان دستگیر و روانه زندان شدند. افراد دستگیر شده در اعتراض به وضعیت فلاکت‌بار خود، و عدم تامین امنیت شغلی، علیرغم حکم آزادی رژیم، همچنان در زندان مانده و خارج نشدند.

سنندج

صبح روز چهارم فروردین ماه، یک نفر از اهالی شهر، با دو تن از مزدوران درگیر میشود. عابریین و علی الخموس کارگران بیکاری که در میدان مرکزی شهر ازدحام کرده بودند، به پشتیبانی از فرد مذکور، وارد عمل میشوند و در نتیجه درگیری بالا میگردد. مزدوران سپاه در صفحه ۹

☆ گرامی بادیداد

است، اعتبار و حیثیتی که نام کمونیست مرادف با نام فدائی کسب کرده، موجب تضمین آن ارزشهای والای مبارزاتی ای شده است که فقط تحت همین عنوان کمونیستهای ایران بسیج میشوند.

توانائی رفیق جزئی فقط در درک ضرورت تاریخی پایه گذاری سازمان نبوده، بلکه شناخت آگاهانه رفیق از انقلابیون کمونیست جهت گزین کردن و سازماندهی در صفوف فدائی یکی دیگر از ویژگیهای منحصر به فرد رفیق جزئی ست. رفیق بر خلاف مارکسیستهای آکا داسین، آکا هی و تبحر علمی خود را صرف تئوریزه کردن مسائل عمده، جنبش نمود و محصول یک دوره طولانی این سخت کوشی، تحلیل ساخت - جامعه ایران است که هنوز بعنوان یکی از معتبرترین پایه های تئوریک انقلاب ایران اعتبار خود را حفظ کرده. است. رفیق جزئی در تمام دوران زندگی مبارزاتی خود، تحت هر شرایطی به فعال ترین شکل ممکن در راه ارتقا جنبش نوین کمونیستی که خود زبشتا زانش بود تلاش بی وقفه ای را دنبال کرد که نتایج آن مجموعه مباحث اساسی تئوریک جنبش کمونیستی ایران را تشکیل میداد. هرچند بعضی نقیصه ها در کار رفیق وجود داشت که سازمان در پیرویه تکاملی خود و با نقد دیالکتیکی این نقیصه ها رافع کرده است. مهمترین نقیصه کار رفیق را عدم خط کشی قاطع ایدئولوژیک با حزب توده. میتوان نامید و اگرچه در پیرویه عمل این خط کشی با سیاستهای اپورتونیستی حزب توده به قاطعیت تمام نمایان بود و خط مشی و سیاست سازمان نیز این مرز بندی را عیان میکرد اما در زمینه ایدئولوژیک، کوتاهی رفیق کاملاً آشکار است. رفیق جزئی علی رغم تاکید بر وظیفه بسیج توده ای و سازماندهی پرولتاریا در این زمینه نیز نتوانست درک روشنی ارائه دهد.

آموزش مهم رفیق جزئی زندگی سراپا مبارزه و سخت کوشی او بود. رفیق در جهت تحقق اهداف انقلابی اش هیچ شرایطی را مانع کار و ادامه مبارزه نمیدانست، در هر حالتی مبارزه بی امان خود را در حوزه های مختلف سیاسی - ایدئولوژیک و تشکیلاتی به پیش میبرد، چه در شرایط غلبه، چه در شرایط مخفی مبارزه و خواه در مخفی

نوده ها، در سبکها غفراست، در روش رو به رشد مبارزه طبقاتی، بطور قطع در مسائل حساس نوده ها، تداری حواسند کرد و حزب دمکرات در این صاف تاریخی نشی واقعی خود را اثبات خواهد نمود. اگر روری حزب دمکرات، باید بر سر راه سوروزا رفیقینی "سورای ملی مقاومت" و تاسیه "خودگردانی" مطروحه در اساس سرمایه بدلت حواسدهای واقعی خلق کرد. پرداخت، امروز بر اساس همان دیدگاه وادامه همان سیاستها، با جاردن دشمن خلقهای ایران بجای دوست و توهم پراکنی سیاستها، راستی شدنها حواسدهای خلقی فخرمان کرد را اما باید به گریخت، بلکه ایسی مارمورد تا تمامیت حسی انقلابی خلق کرد را وجهه الماحه سیاستهای سازش - کارانه و سوروزا رفیقینی خود قرار دهد. رمانیکه خلقی سارر کرد و عیسوم نوده های رخصکن سارر ایران، با محفوف خرجه نوده تر در مسائل رژیم جمهوری اسلامی تداری میکنند، هنگامیکه طبقه کارگر ایران "سوی سالی سوار مالیات و سارر" قانهای اسنوار و سترکی بر میدارد، و با سرافرانسی بوجم استنلال طبقاتی خود، عرمد سوسی را می گسند، حزب دمکرات سادتم، همچنان سترگرم دلالی رسد و سارر سوسور سوزروانی ساند.

جریان انقلابی بخواند و کومه له نیز از حزب دمکرات میخواهد که "دمکرات" باشد و مواضع کومه له را مبس بر محکومیت حزب "در خلق درگیریهایی ملحانه" رسماً بپذیرد. هرچند که کومه له کوتاه فکر درک نمیکند آنچه که تعیین کننده خط و مشی حزب دمکرات است همانا منافع طبقاتی اوست و حزب دمکرات با متعهد شدن به کومه له نمیتواند دست از مواضع خود بشوید. همچنانکه کومه له از درک دمکراسی مبتنی بر نیرو و اراده انقلابی توده ها نیز عاجز است و همواره خود را جایگزین این نیرو قلمداد میکند.

کنگره پنجم کومه له نیز نه تنها نتوانسته هیچ راه حل عملی و مشخصی را برای حل بحران مناسبات سیاسی فیما بین خود و حزب دمکرات ارائه دهد بلکه بنا تا پید "سیاست عمومی و مواضع تا کنونی" خود در قبال حزب دمکرات یعنی سیاست تعرض متقابل و انتقام کشی و "کسب پیروزی در جنگ جاری" عملاً بر تشمیع این بحران دامن نیز زده است.

اپوزیسیون ضد انقلاب

و

مناقشات حزب دمکرات

ملی عمومی او آسان نخواهد نمود. مداره سیاسی سازماندهی جمهوری ایسی، طرحهای رفیقینی، همکاری با اپورتونیست مد اسدنی و سبک ساروفا انقلابی، همه و همه در رابطه با این مسئله اسدور در رابطه با درک مشخص حزب، درکی که مانی ارمانت طبقاتی او و در اسنار با آن است. اس ماحسب سمراند ساد سوزمان دپس الفاظی - مقدار و عوامر ساسه سوز ساسد و خود را از جنم سوده ها پرنشده نگاه دارد، و شد و شمعن سارزه طبقاتی، تداوم بحران انقلابی و چرخشهای اجتماعی همه چیز را بر و روحانها میکند و سراسجام دست همه سروه های سیاسی را از حمله حزب دمکرات را رو میکند. و در کارزار سخت مبارزه طبقاتی، بنات ها را از چهره ها کنار میرسد. ناس سروه ها همه و است خود را نه سایش نگدارد و حاکم و انسی ناس را پیداکند. اس حاساشی، س س س سحران انقلابی حاری، سروع سسود، "مشاری" و همکشی حزب دمکرات با "سروه های مبس برست" و اپوزیسیون مد انقلابی، و با اشتغال در تشکیلاتی که سروزه سطر اراست و از سسور حسی انقلابی

کومه له بوندیست ***

توهم رخصکن را مراعات خواهد نمود. "آزوت" بدیهی است که کومه له آماده است توافقنامه های لازم را بر مبنای اصول فوق با حزب دمکرات امضا کند (طرح کومه له برای ملج.... بلنوم مرکزیت کومه له)

در واقع کومه له از حزب دمکرات میخواهد که رسا اعلام کند: حقوق و آزادیهای سیاسی را با توسل سروز نشی کرده و " در شمال اختلافات سیاسی فیما بین " با کومه له، درگیری ملحانه "خلق" نموده است و غلامه آنکه در ایجاد و شداد درگیریها، کومه له هیچ نقشی نداشته و تنها حزب دمکرات عامل و مانی این درگیریها بوده است. این شرایط با شرایطی که حزب دمکرات بهش پای کومه له گذاشته و او خواسته که از مواضع سیاسی خود عدول کند، فرقی ندارد. حزب دمکرات از کومه له میخواهد که او را یک

نگاهی به مبارزات

عمل بخشهایی از بناسیل انقلابی آسان
بلا استفاده ماند.

امروز بزرگسالی و عدم پیوستگی به
یکی از منحنیهای مبارزات نبوده ای
کردستان مدخل گشته است. درک این نقاط
ضعف و تلاش دارد آن در سیر بیشتر
مبارزات نبوده ای و همچنین باخ صریح
و مستقیم بدان یکی از مسائل مهمی
است که حل آن از هم اکنون نه تنها راه
هرگونه پس روی جنبش را سد خواهد ساخت
بلکه قطعا پایه های قدرت آنرا نیز تحکیم
خواهد بخشید.

این نقاط ضعف در مبارزات نبوده ای
کردستان پدید آمده سوطه پوری نیست. اینک
چرا بوده های مردم طی چند سال مبارزه
بهروش و مدارم، هنوز فاقد حداقل
شکل سازمانی هستند رفته در جنبش
سپروهای مؤثر در این جنبش دارد.
جنبش انقلابی خلق کردستان
بختی از جنبش مدام بهر بهای جنبش دمکراتیک
خلفهای ایران بر اساس الزامات جنبشی
این مرحله از انقلاب ایران می بایست

جنبش منظم نباشد بود که درگیریهای
پیشمرگان حزب دمکرات و کومه له به او
ارزانی کرد تا با استفاده از این فرصت
بر ترغیفات خود به مناطق کردستان و تشدید
سرکوب اهالی بیدفاع روستاها بیا فزاید.
بر این اساس است که امروز پایان
بخشیدن به درگیریهای نظامی حزب -
دمکرات و کومه له و حل اختلافات بین دو
نیرو بشیوه ای سیاسی به خواست امیلی
کلیه نبوده ها مبدل گشته است.

جنبش انقلابی خلق کرد در پروسه
عمق یافته خود، بیش از پیش ماهیت
جریانات بورژوازی، خرده بورژوازی
ناسیونالیست را برملا ساخته و ناتوانی
ذاتی آنان را در امر رهبری هدفمند
توده ها و سازماندهی مبارزات آنان، در
راستای پیروزی خلق کرد به اثبات رسانده
است.

پیروزی مبارزات خلق کرد، در گرو
پیوند با مبارزات کارگران و زحمتکشان
سراسر ایران تحت رهبری طبقه کارگر است.
تنها با اعمال رهبری پرولتری بر این
جنبش و پیشبرد اهداف دمکراتیک پیگیر
طبقه کارگر که پیوستگی لازم را در صفوف
مبارزه جاری در جامعه ایجاد میکند،
پیروزی خلق کرد از افق کردستان پیدا
خواهد شد.

نحت رهبری طبقه کارگر سازماندهی و
هدایت گردد. اما در فقدان این رهبری
ربر نبود گرایشات بورژوازی و خرده -
بورژوازی ناسیونالیستی و تنگ نظرانه
قرار گرفته است. نتایج جنبی منفی
رهبری جنبش خلق کرد که منابر -
مخال این مرحله از جنبش انقلابی
ایران است تاکنون تا ثیرات خود را در
ترسهای مختلفی سراجی گذاشته است.

علاوه بر ضعف و ناتوانی این نیروها
در امر رهبری انقلابی، تعمیق و تشدید
خوابهای جنبش انقلابی خلق کرد در
مبارزات روزمره کارگران و زحمتکشان
و سازماندهی این مبارزات، امروز
درگیریهای نظامی میان پیشمرگان حزب
دمکرات و کومه له که ناشی از تمایلات
تنگ نظریه این نیروهاست به مهمترین
معمل در سطح جنبش انقلابی خلق کرد
مبدل گشته است. این درگیریها تاکنون
مداخلاتی از فرزندان کارگران و زحمتکشان
کردستان را به خاک و خون کشانده و بخش
اعظم انرژی و توان رزمی پیشمرگان دو
نیرو را خود مشول داشته و کلیه
دستاوردهای جنبش انقلابی - دمکراتیک
خلق کرد را در معرض نابودی قرار داده
است. طی چند سال گذشته رژیم جمهوری
اسلامی در سرکوب جنبش خلق کرد، فرمتی

غنائیم بدست آمده

۴۳	جندافزار انفرادی
۸	انواع نارنجک
۲۰	بی سیم
۷۲۰۰	انواع فشنگ
۳۲	خشب
۲۵	جنگ افزار سنگین و نیمه سنگین
۱۲	کلوله اسلحه سنگین و نیمه سنگین
۷	پیوستن فریب خوردگان

اما این جدول عمدتا از اخبار
رادیوهای حزب دمکرات و کومه له
سرگرفته شده است.

تلفات دشمن

۱۴۸	کشته و زخمی
۹	اسرای دشمن
۲	خودروی منهدم یا معادله شده
-	سلاحهای منهدم شده
-	مهمات منهدم شده

جدول يك ماهه
عملیات پیشمرگان
خلق کرد

۲۷ اسفند تا ۲۷ فروردین

عملیات پیشمرگه

۷	کمین و کنترل جاده
۴	مین گذاری
۸	مقابله در مقابل بهوش رژیم
۵	حمله به مراکز رژیم در شهرها
-	طرح سلاح های تازه
۱	معادله و انهدام تاسیسات
۱۱	حمله به پایگاهها
۲۶	جمع

۸	شهادت پیشمرگه
۴	اهالی بیدفاع

سهرکه و توبی پروتته و هی شورشیگیرانه ی گه لی کورد

گرامی باد یاد پرشکوه رفیق کبیر فدائی خلق بیژن جزنی و همزمانش



۲۰ فروردین ماه ۱۳۵۴ رژیم ارتجاعی شاه با ترور رفیق کبیر فدائی خلق بیژن جزنی و ۶ تن از همزمانانش رفقا، حسن ضیاء، ظریفی، محمدچوپانزاده، احمد جلیل افشار، مشوقت (سیدگلانتری)، عزیز سمردی، عباس سورکی، هراس مرگبار خود را از نفوذ روزافزون سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در میان انقلابیون و کارگران و زحمتکشان ایران به نمایش گذاشت.

شکل گیری شخصیت مبارز رفیق جزنی محصول پروسه عملی یک دوره کامل تاریخ مبارزه طبقاتی در ایران بود و به همین در صفحه ۷

پروام باد مبارزه خلق فلسطین

دهم فروردین ماه (سیام مارس)، معاد با روز زمین، روز فلسطین، روز همبستگی جهانی با مبارزات انقلابی خلق قهرمان فلسطین علیه اشغالگری صهیونیستی اسرائیل است.

این روز را گرامی می‌داریم و به یاداری دلمروانه رزمندگان و خلقی به کارجو و انقلابی فلسطین، به کارگران و زحمتکشانی که طی بیش از سی سال مبارزه سختی تا به امروز و انقلابی خود سمندهای برجسته‌ای از دست‌آورددهای حماسی راه گنجینه بر بار مبارزات مدامه‌ریالیستی، فدا رتجائی خلقی‌های جهان تقدیم داشته‌اند درود می‌فرستیم و با مبارزات آنان در راه رهایی از یوغ صهیونیسم اشغالگر و دستبازی به فلسطینی آزاد، دمکراتیک و انقلابی، به فلسطینی که کارگران و زحمتکشان در آن بر سرخشت خویش حاکم باشند، اعلام همبستگی می‌کنیم.

اخباری از جنبش شوده‌ای

در صفحه ۱۸

خلق کرد پیروز است جدول یک ماهه عملیات پیشمرگان خلق کرد

در صفحه ۲۳

ششمین سال قتل عام زحمتکشان "قه‌لاتان"

کردید.

ضمن گرامی داشت خاطره شهیدای بیدفاع قه‌لاتان برتداوم مبارزه انقلابی خود علیه رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی می‌نمائیم.

روستای تخریب شده حمله کرده و باقی‌مانده‌های را که عده‌ای کودک و پیرمرد و پیرزن بودند در زیر تانک له کرده و با بریدن سر هایشان بوسیله تبر بشهادت رسانیدند و فردای آنروز برای سرپوش نهادن بر جنايات هولناک رژیم جمهوری اسلامی قه‌لاتان با آتش توپخانه ارتش و ایران

شش سال از قتل عام و جنایت‌های احوالی بیدفاع قه‌لاتان گذشت. روز ششم فروردین معاد است با جنایت‌ننگین جمهوری اسلامی در قتل عام زحمتکشان روستای قه‌لاتان که توسط مزدوران سرکوب - کر رژیم و ساواک‌های معروف مانند صهری، که تحت عنوان مانور ارتش به